

## آشنائی با قرآن ۲۱۴

ایمان ببعض : خداوند در آیه ۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید :

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ؟  
آیا به قسمتی از کتاب ایمان می آورید و قسمتی را قبول ندارید؟  
فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
عجازات کنی از شما که چنین کاری کنید در زندگی دنیا خوارگی است.

وَيَوْمَ الْعِقَابِ يَرْدُّونَ إِلَىٰ أَسْتَدِّ الْعَذَابِ

و روز قیامت چهارشده بدترین عذاب بشوند.

دین و مسلمان واقعی که به خدا (الله) و روز قیامت ایمان دارد تسلیم حکم خداوند است این آیه را مثل آیات دیگر قرآن قبول دارد و بصحت آن ایمان کامل دارد و میداند خداوند در روغ نمیگوید و خداوند دین خالص را قبول دارد هیچ شریکی را در قانون گذاری خود قبول ندارد. همانطور که آیه ۳۳ زمر سوره ۳۹ میفرماید: **الَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ** «بدانند که دین خالص (بدون دخالت هیچ چیز دیگر) مال الله (خدا) است.» و دینی که کس یا چیز دیگری در آن دخالت داشته باشد قبول ندارد. آیه ۲۶ کهف سوره ۱۸ میفرماید: **الَّا لِلشِّرْكِ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا** «خدا هیچکس را در حکم (فرمان و قانون) خود شریک نمیکند.» ایمان ببعض کتاب و کفر ببعض یعنی قسمتی را قبول داشتن و قسمتی را قبول نداشتن پیش خداوند کفر است نه ایمان. چون مسلمان و مومن واقعی کسی است که خداوند را خالق جهان میداند و قوانینی که در جهان وجود دارد قوانینی میداند که خداوند در دل طبیعت از آسمان و زمین یعنی خالق خداوند این بوده که جهان با این قوانین طبیعی ساخته شود لذا از قوانین جهان اطوع کامل دارد و طبیعت آن دنیا زهای طبیعی او را میشناسد و قوانینی که بنام دین شریع (قانونگذاری) میکند با علم و آگاهی کامل از این قوانین و این نیازها است و شتابی در آن وجود ندارد. اگر چیزی از این قوانین دینی را درک نمیکند نمیتوان نفس بردن داشت شری است. البته با کثرت ردالبطرافه قرآن مسلمان دینی گویند که این توبه می ندارد که قرآن خسته است مردم بسواد عربستان نبردند.

مضارع مضارع فعلی است که بر حال و آینده دلالت میکند مثل:

من	اعبد	عبادت میکنم
تو	تعبد	عبادت میکنی
او	يعبد	عبادت میکند

با برداشتن حرف اول فعل و ون از آخر فعل معنی فعل یعنی کاری که انجام میشود معلوم میشود

حالات معنی کنید

يَلْبِسُونَ	يَلْبِسُونَ	يَلْبِسُونَ	يَلْبِسُونَ	يَلْبِسُونَ
تَلْبِسُونَ	تَلْبِسُونَ	تَلْبِسُونَ	تَلْبِسُونَ	تَلْبِسُونَ
يَرْجِعُونَ	يَرْجِعُونَ	يَرْجِعُونَ	يَرْجِعُونَ	يَرْجِعُونَ
يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ
يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولُونَ
يَدْخُلُونَ	يَدْخُلُونَ	يَدْخُلُونَ	يَدْخُلُونَ	يَدْخُلُونَ
يَصْبِرُونَ	يَصْبِرُونَ	يَصْبِرُونَ	يَصْبِرُونَ	يَصْبِرُونَ
يَسْمَعُونَ	يَسْمَعُونَ	يَسْمَعُونَ	يَسْمَعُونَ	يَسْمَعُونَ
يَظْلِمُونَ	يَظْلِمُونَ	يَظْلِمُونَ	يَظْلِمُونَ	يَظْلِمُونَ
يَخْلُقُونَ	يَخْلُقُونَ	يَخْلُقُونَ	يَخْلُقُونَ	يَخْلُقُونَ
يَشْهَدُونَ	يَشْهَدُونَ	يَشْهَدُونَ	يَشْهَدُونَ	يَشْهَدُونَ
يَعْلَمُونَ	يَعْلَمُونَ	يَعْلَمُونَ	يَعْلَمُونَ	يَعْلَمُونَ
يَكْذِبُونَ	يَكْذِبُونَ	يَكْذِبُونَ	يَكْذِبُونَ	يَكْذِبُونَ
يَنْزِلُونَ	يَنْزِلُونَ	يَنْزِلُونَ	يَنْزِلُونَ	يَنْزِلُونَ

## آشنائی با قرآن ۲۵

اسلام: اسلام خود را تسلیم خدا کردن و تسلیم خدا بودن و تسلیم خدا شدن است آیه ۱۱۲ بقره سوره میفرماید:

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آری هر کس خود را تسلیم الله (خدا) کند و نیکوکار باشد پاداشش بیش صاحب اختیارش محفوظ است و نه ترسی دارد نه غمناک است.

این آیه پس از آیه ۱۱۱ بقره است که میفرماید: «یهودیان گفتند: هیچکس غیر از یهودی را وارد بهشت نمی‌شود و مسیحیان گفتند: غیر از افراد مسیحی هیچکس

وارد بهشت نمی‌شود. این آرزو و تصور آنهاست. بگو اگر امت می‌گوید دلیلشان را بیاورید.» جوید کجای تورات و انجیل چنین حرفی زده.

در آیه بعد یعنی آیه ۱۱۳ بقره میفرماید: «یهودیان گفتند: عبیدان بر چیزی نیستند (دینشان دین نیست پاداشی ندارند و وارد بهشت نمی‌شوند) و مسیحیان

گفتند: یهودیان بر چیزی نیستند (چون فقط ایمان به مسیح باعث نجات است و چون یهودیان به مسیح ایمان ندارند پاداشی ندارند و به بهشت نمی‌روند).

در صورتیکه هر دو دسته کتاب مبنی خود را میخوانند (ومی‌بینند که چنین حرفی در آن وجود ندارد) تمام افراد جاهل دینی اطواع (مثل مسلمانان بی اطلاع

از قرآن) نیز عین حرف آنها را میزنند. عیسی مسیح علیه السلام در شماره ۲۱: ۷ انجیل متی میفرماید: نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان

گردد بید آنست که اراده پروردگار در آسمان است بجا آورد. و در شماره ۱۳: ۹ متی میفرماید: «بیاورید هم تا معادلان را بکنید تا آنها همکاران را به توبه

دعوت نمایم.» و در شماره ۲۰: ۵ متی میفرماید: «تا معادالت شما بر کاتبان و فریسیان (دردت از یهودیان) افزون نشود بملکوت آسمان برتر از آن نخواهید شد.»

اسلام تسلیم حکم خدا بودن است ولی مردم بجای اینکه تسلیم حکم و نظر خداوند که در کتاب الهی و مقدس آنهاست باشند تسلیم نظر و حکم دیگران هستند.

حقیقت تلخ: خداوند در آیه ۲۲ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكَائِهِمْ هُمْ قَوْمٌ صِدْقٌ أَلَيْسَ فِي الْقُرْآنِ لِقَاءٌ لِّكُلِّ شَيْءٍ حَكْمٌ

آیا کفری را که بهره‌ای از کتاب است آنها داده‌شده بود ندیدی که وقتی از آنها دعوت می‌شود که کتاب خدا امین آنها حکم کند،

عده‌ای از آنها از اینکار خودداری میکنند و از حکم و نظر خداوند در گردان هستند.

متوسل میشوند.

متأسفانه بیشتر مسلمانان بی اطلاع از قرآن نیز از اینکار در گردانند و بنام قرآن آسمان و زمین می‌بافند و به اجازتی که ۲۵ پس از تفسیر نوشته شده



## آشنائی با قرآن ۲۶

دین خداوند: خداوند در آیه ۱۳ شوری سوره ۴۲ میفرماید:

مُشْرِعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا، وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ،

خداوند برای شما از دین همان چیزی را قانونگذاری کرد که نوح را به آن سفارش کرد و همان چیزی است که بتو وحی کردم

وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقْبُوا الدِّينَ وَلَا تَتَّبِعُوا فِيهِ

و ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم که دین را اجرا کنند در دین چه تفرقه نشود.

می بینیم که در این آیه خداوند متعال میفرماید همه پیغمبران را به یک چیز سفارش کردیم و آن این است که دین را اجرا کنید و در دین چه تفرقه نشود. چون قانونی که برای همه آنها گذاشته شده یکی است و همه برای یک هدف آمده اند همه آمده اند تا دنیا فی پاک بزند دنیا فی پاک از ظلم و فساد و فقر و جهل و فرود شدن شخصیت انسان و دلی حکومت که قدرت داشته بدست «یک عمده فرد در راه پرست که سر در آردت مردم بودند فکر واقع یعنی حقیقت شناسی را از مغز بردن کشیده و با تزیین و تلقین یک تبه افکار است و دواهی دبی اثر سرگشتان نمودند» مردم را از هدف اصلی دینی که خوشبختی دنیایی پاک است منحرف کردند. تنگ بر جهل و فریبکاری.

جزئیات دینی: خداوند در آیه ۴۸ مائده سوره ۵ میفرماید:

لِكُلِّ جَمْعٍ مِمَّنْ شَرَعْنَا لَكُمْ شَرْعًا وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أُمَّةً وَاحِدَةً

برای هر یک از شما (مجموعان و سیمان مسلمانان) راه دینی قرار دادیم. اگر الله (خدا) بخواند شمار امت واحدی است

وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فَمَا آتَيْتُمْ، فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ

دلی میخواهد شمارا با همان چیزی که بشما داده است امتحان کند. بنابراین در کارهای خیر ما هم تبه دهید.

با توجه به آیات ۴۴ تا ۴۸ مائده می بینیم که خداوند میخواهد آن را با همان کتابی که خود مردم ادعا میکنند که کتاب مقدس و دینی آنها و وحی الهی است امتحان کند.

که شمارا تا هیچ دستهای از این معیار دینداری از کتاب دینی خودی نمیکنند و با اسمی دل خود را خوش میکنند و بر سر این اسم با میان هم می افتند و از سستی

یک دنیای پاک غافل میمانند. در صورتیکه همه پیغمبران را خداوند برای این فرستاده که مردم عادل باشند «در هر فی غیر از اصلاح اجتماع» نداشته باشند.

معنی کنید و علت حرکت آخره فی کہ با عذر است و مشخص شدہ بنویسید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

کَلَامِ مِنَ الطَّبَاتِ

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

لِيَقْرَأَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

العالمون  
من لم يحكم بما أنزل الله فاولئك هم المفلطون

وَأَحْمِلُوا صُلْحًا

لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَقَدْ سَبَّحْنَا الْأَنْبِيَاءَ لِلذِّكْرِ

إِذَا دُعِيَ لَهُمُ السُّبْحُ أَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِ السُّبْحُ مَا أَلْفَيْتُمْ عَلَيْهِ آيَاتِنَا

إِنْ تَطِيعُ التَّيْمَنَ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

أَنَا طَعْنَا سَادَتَنَا وَكُنَّا بَرًا

يَوْمَ تَعْلَبُ دُجُوهَهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ

أولئك هم الصادقون

وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

لَمْ يَرْبُوا

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

لَا تَلْوُذُوا بِالَّذِينَ تَقُولُوا أُخْلَقُوا

تلك أمة قد حلت لها ما سببت

إِنْ تَحْسَبُوا النَّبِيَّ تَارَةً فَخُلِقْتُمْ مِنْ مِثْلِنَا

أما المرمزون اخوة

إِنَّ اللَّهَ لَظَنِيمٌ النَّاسُ سَيِّئَاتٍ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ ظَاهِرُونَ

ادع إلى اسبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

صبر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ

رَبِّ مَا غَوَيْتَنِي لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْأَرْضِ وَلَا غَزِيَّتَهُمْ أَجْمَعِينَ

إِنَّ النَّفْسَ الْأَمَّارَةَ بَاسُوءٍ

لَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا دَارًا وَصَلُّوا لِنَبِيِّ أَوْ صَلُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

أطبع الله وأطبعوا الرسول وأولي الأمر منكم وإن تنازعتم في شئ فردوه إلى الله والرسول

## آشنائی با قرآن ۲۷

عقیدہ مسلمان واقعی، خداوند در آیه ۱۳۶ بقرہ سورہ ۲ میفرماید:

قُلُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ،

الذکر  
الکلی

بگوئید: ما به الله و آنچه ما نازل شده (به قرآن) و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانش یعقوب نازل شده

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ،

و آنچه به موسی و موسی و هارون و آنچه به پیغمبران از جانب خداوندشان داده شده ایمان داریم

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.

و ما بین هیچکدام آنها فرقی نمیکنیم. و ما تسلیم ضاهیم

این دستور خداوند و این عقیدہ مسلمان واقعی است و این چیزی است که مسلمان واقعی بگوید. چون این دستور خداوند است و مسلمان واقعی تسلیم حکم و نظر خداوند

است چون خداوند در آیه ۳۳ اعراف سورہ ۷ میفرماید: «اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ». (از آنچه از جانب خدایان

به شما نازل شده پیروی کنید. و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید.) آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ مائده سورہ ۵ میفرماید: «مَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ

هُمُ الْكَافِرُونَ». (کسانی که مطبق آنچه خدا (الله) نازل کرده (کتاب الهی) حکم نکنند کافرند... ظالمند... فاسقند.) و در آیه ۴۴ و ۴۵ مائده میفرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ. «تورات را ما نازل کردیم در تورات هدایت و نور وجود دارد.» ایتناه الانجیل فيه هدى ونور.

یعنی انجیل را داریم در انجیل هدایت و نور وجود دارد. این نظر قرآن درباره تورات در انجیل است. خداوند در آیه ۳۳ مائده میفرماید: «أَيُّكُمْ يَتَّبِعُ

عَنْهُمْ التَّوْرَةَ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ». (چطور بود این تورات را در صورتیکه تورات پیش آنهاست. حکم خداوند (الله) در تورات وجود دارد.) و در آیه

۴۷ مائده میفرماید: «وَلْيَحْكُمِ أَهْلُ الْأَنْبِيَاءِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ». (باید مسیحیان (عیسویان) مطبق آنچه خداوند (الله) در انجیل نازل کرده حکم کنند.) و

میدانیم خداوند توری که قابل اجرا باشد نمیدهد. خداوند در آیه ۴۸ مائده میفرماید: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ

الْكِتَابِ». «قرآن را بحق بتو نازل کردیم. قرآنی که مصدق (تصدیق کننده) تورات و انجیل است که قبل از آن بوده. مسلمان واقعی نظر قرآن را قبول دارد»

با توجه به معنی این لغات کلمات زیر را معنی کنید: **إِن**: بدین معنی که بر روی چون زیرا. **أَنَّ**: که. **إِنَّ**: اگر نه. **ذَلِكَ**: آن. **بَلَدٌ**: آن  
 هذا. **هِنَّ**: این ادلک: آنها. **هَؤُلَاءِ**: این ها **الَّذِينَ**: الاتی: ک نی که شخصی که. افرادی که. آدمی که. **الَّذِي**: الی: کسی که چیزی که  
 ما: آنچه چیزی که چیزی؟ نه **هُوَ**: هوی: آن او. **هَؤُلَاءِ**: آن ارش هم آما: ایشان بشن کم: شامان **أَنَا**: ای من **أَنَا**: ما: نحن **بِما**  
**كُنْ**: هرگز نه **لَمْ**: نه ماضی **لَمَّا**: هنوز نه **لَمَّا**: وقتی که چون **لَكِن**: لکن: لیکن: اما: ولی. **لَا**: نه **فَ**: بنابراین پس **بِمَا**: پس **بَعْدَ**: کو: اگر  
**لِ**: برای مال: دین **بِ**: به **بِ**: بسبب **بِطَبَقِ**: علی: بر روی **إِلَى**: به: بروی **مِنْ**: از **فِي**: در **عَنْ**: از: درباره **مَنْ**: کسی که کسی که  
**إِذَا**: وقتی که زمانی که **إِنَّمَا**: فقط **أَلَا**: آکا: باشه: بدانید **أَلَا**: که نه **إِلَّا**: مگر: بجز **كَمَا**: همانطور که **مَعَ**: با

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ	ذَلِكَ الْكِتَابُ	لَا رَيْبَ فِيهِ	هُدًى لِلْمُتَّقِينَ
يُزَيِّنُ بِاللَّيْلِ	مَعَارِزَ ذُنُوبِهِمْ	أَنْزَلَ إِلَيْكَ	مِنْ قَبْلِكَ
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى	مِنْ رَبِّهِمْ	إِنَّ الَّذِينَ أَفْرَدُوا	سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
لَا يُؤْمِنُونَ	عَلَى قُلُوبِهِمْ	عَلَى أَبْصَارِهِمْ	لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
مِنَ النَّاسِ	مَنْ يَقُولُ	أَمَّا بِاللَّهِ	مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ آمَنُوا	فِي قُلُوبِهِمْ	إِذَا قِيلَ لَهُمْ	لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
إِنَّمَا نَحْنُ مُصَلِّونَ	لَنْ نَلْعَلَّكُمْ	كَمَا اسَّ النَّاسُ	إِذَا عَلُوا إِلَىٰ سَبَاطِطِهِمْ
قَالُوا إِنَّا نَعْلَمُ	إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ	فِي طَعْيَانِهِمْ	بِحَارِهِمْ
تُرَكِّبُ فِي ظُلُمَاتٍ	أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ	إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ	مَا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا
إِنْ لَمْ تَعْمَلُوا	ذَلِكُمْ تَعْمَلُوا	وَتُورِدُهَا النَّاسُ	تَحْرِيٍّ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ
إِنَّهُ لَخَبِيرٌ مِنْ رَبِّهِمْ	مَنْ يُسَدِّ مَسَاجِدَهُ	لَيُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ	فَمَنْ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
فَنَابِ عَلَيْكُمْ	خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ	هُوَ كَقُلُوبِ شَيْءٍ عَلِيمٌ	إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ



آشنائی باقرآن ۲۸

بحث با دینداران: خداوند در آیه ۴ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید:

لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ

با اهل کتاب با بهترین روش گفتگو کنید، غیر از مسلمانان آنها،  
و قولوا انما بالذی انزل الینا انزل الیکم، والینا انهم واعد، ونحن له مسلمون.

و بگوئید ما به آنچه به ما و آنچه به شما نازل شده ایمان داریم، معبود ما و شما یکی است، ما تسلیم از تسلیم.

این دستور خداوند است و مسلمان واقعی تسلیم دستور و نظر خداوند است. چون می‌اندازد خداوند اشتباه نمی‌کند. لذا با اهل کتاب یعنی دینداران دیگر با بهترین روش گفتگو میکند. چون همانطور که در آیه ۱۲۵ نحل دیدیم خداوند میفرماید: «مردم را با حکمت و انزیر نیکو به راه خداوند دعوت کنید، و با بهترین روش با آنها بحث و گفتگو کنید.»  
در این آیه می بینیم که خداوند میفرماید با اهل کتاب بگوئید معبود ما و شما یکی است لذا باید ببینیم او چه میگوید نه اینکه دیگران به نام او چه گفته اند و چه میگویند. معبود یعنی عبارت شده و در دین کسی که سرور و عبارت یعنی بندگی و اطاعت بدون چون و چرا از دستور او باشد فقط خداوند است و مسلمان یکس دیگر را کنار خداوند قرار نمیدهد چون اینکار در اسلام شرک است. همانطور که خداوند در آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «در آنگه‌دان دینی و زاهدان تارک دنیای خود بمنظور پیغمبرشان عیسی ابن مریم را ارباب خود گرفته، در صورتیکه آنها دستور داده شده بود فقط الله را بندگی یعنی اطاعت محض کنند. چون معبودی غیر از او وجود ندارد. و خداوند خیلی بالاتر از این چیزهایی است که شریک خدا می‌زنند، خدائی که خدایان جهان است و توانی که در جهان و غایب از آن است که در آن است و پیشتر که با و یک آن محود با معبودات مردودش کجا؟»

خداوند پس از اینکه در آیه ۱۳ ثوری صحبت از آنها در ایمان بنماید در آیه ۱۵ ثوری سوره ۲۲ میفرماید:

فَلِذَلِكَ فَادَعِ وَاَسْتَعِمْ كَمَا اَمَرْتَ، وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاَهُمْ، وَقُلْ اَمْسِكْ مَا اَنْزَلَ اللهُ مِنْ كِتَابٍ، وَ اَمْرٌ لِلْعَدْلِ تَعْلَمُونَ، اللهُ اَبْتَنَادُ عَلِيمٌ، لَنَا

اعمالکم و کلم اعمالکم، لا محجبه بیننا و بینکم. «مردم را به اجرای دین و تفرقه بدانش در آن دعوت کن، و همانطور که بود دستور داده شده در اینکار اتمامت داشته باش، و از نحوه آنان (مشترکاتی که کس دیگری را کنار خدا گذاشته اند) پیروی نکن، و بگو من به هر کتابی که الله نازل کرده ایمان دارم، و بین دستور داده شده که بین شما به عدالت رفتار هم، ارباب (صاحب اختیار) ما و شما الله است (باید ببینیم او چه میفرماید) کارهای ما، مال ما است و کارهای شما مال شماست. بخشی بین ما باقی نمانده. باید ببینیم خداوند چه حکم و نظری داده.»

معنى كيد وعلت حركت حرفى كه با معرفت ه شخص شده بنويسد

فاقدوا ما تب من القرآن

اتبوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء

لا تقفوا فى الارض

لقد بسرنا القرآن للذكر

انما يتدبرون القرآن

ان هر وقت سر نسل بيست روز مملکت

الا لعبد الا الله

لقد لولا الى كلته سواع وبنينا وبنينا

قل يا اهل الكتاب

لا تقف ما ليس بك به علم

ولا يتخذ بعضهم بعضا اربابا من دون الله

ولا تشرك به شيئا

ان الذين يفتنون فى سبيده صفا كانهم بنيان مرصوص

انما الصدقات للفقراء والمساكين

ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم

لقد كان فى قصصهم عبرة لاولى الابصار

قل هذه سبيلى ادعوا الى الله على بصيرة انما من اتبعنى

لا تجعل فى قلوبنا غلا للذين امنوا

مقول نايب ما على

زمين الذين حب الشهوات من ابناء والبنين

لا تعلموا فى دينهم غير الحق

ولكن منكم امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر

ان رابع الا يوحى الى

كنتم خير امة اخرجت للناس يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر

ال عمران ١١٩

لم من قية قليلة غلبت قية كثيرة

لا يتركون الاخرى وادانتم الاعداء ان كنتم مؤمنين

اعدوا لهم ما استطعتم من قوة

لا يزالون يفتنونكم حتى يردكم عن دينكم ان استطعوا

ليستخلفهم فى الارض كما استخلف الذين من قبلهم

وعذ الله الذين امنوا بكم وعملوا الصالحات

ان يعتدوا الا يصلحوا

ويؤمنون فى الارض فسادا

انما جزاء الذين يكذبون اليه ورسوله

الم ترالى الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك ما انزل من قبلك

وقد اخرجوا ان يكفروا به

يريدون ان يتحاكوا الى الطاغوت

فما جزاء من نضل ذكركم الاخرى فى الجيرة الدنيا

انتم منون ببعض الكتابه يفتنون بعض

## آشنائی با قرآن ۲۹

دیندار واقعی: خداوند در آیه ۶۸ مائده سوره ۵ میفرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُتِمُّوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

مگو ای اهل کتاب تا مطابق تورات و انجیل و آنچه از طرف صاحب خیرتان بشما نازل شده عمل نکنید دین ندارید.

هر کس مطابق این آیه متوجه میشود کسی دیندار نیست مگر آنکه مطابق کتاب الهی رفتار کند. کتابی که خودش آن را کتاب مقدس و الهی خود و وحی خداوند میداند. نه حرفتائی که دیگران بنام دین میزنند. همانطور که آیه ۳۱ سوره ۷ میفرماید: **اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ**. «از آنچه از طرف صاحب خیرتان بشما نازل شده پیروی کنید. و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید.» آیه کامله صریح و روشن است و جای هیچ بحثی باقی نمیندازد. و همانطور که آیه ۴۴ مائده میفرماید: **مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ**. «کسانی که مطابق آنچه الله (خداوند) نازل کرده حکم نکنند کافرند.»

ابتدای تمام باب‌های لایوان میگوید: «خداوند مومنی را خطاب کرده گفت:» غیر از باب ۹ و ۱۰ آن. البته بعضی باب‌ها از باب قبل از خود میباشد در بعضی از باب‌ها کلمه «هارون» هم اضافه شده. بحسب سیح عیبه لهم در شماره ۲۴: ۴۰۱ یوحنا میفرماید: «کلامی که میخوانید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» شماره ۴۹: ۱۲، ۱۵: ۱۵، ۱۵: ۱۴ و ۱۷: ۱۷ انجیل یوحنا را هم ببینید. ۷۸ بار آمده که ۶۸ بار آن وحی بی‌شعیر آدم و دیگران است. **مَّا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ** همین را میگوید. خداوند در دنباله آیه ۶۸ مائده میفرماید:

وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۚ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

بسم این حقیقتی که از صاحب خیرات شما نازل شده بر طغیان و کفر عده زیادی از شما اضافه میکند. بجا هر افراد کافر غصه ای نخور.

چون افراد طبیعتاً آنچه از خود می‌شنیدند و از بیشتر افراد جامعه خود شنیده اند و آدمی مشهور و اسم در سم دارد آنها را می‌گفتند اند و بستگی دارند و به این آس نی‌آ از آن دل نمیکشند. همانطور که مردم این حقیقت را می‌بینیم. چون مردم معمولی می‌گویند آقایان و بزرگان و بزرگان ما چنین می‌گفتند. آیه ۶۶ احزاب سوره ۳۳ و آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ بقره را ببینید. آیه ۱۷۰ بقره میفرماید: **إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِ اتَّبِعُوا آلَاءَهُمْ إِنَّا لَمَعْلَمُونَ** «وقتی به آنها گفته شود از آنچه الله نازل کرده کتاب الهی پیروی کنید. میگویند: ما از روشی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی میکنیم. آنچه پدرانمان از ذره‌ای عقل خود را بکار نینداخته و حقیقت را نشناخته باشند.

معنی لئید و علت ابن عمرت و رابنولید و باب ۴ می ثلاثی زید آن را تشخیص دهید.

أَجِدُّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

الذين يؤمنون بالغيب

يقومون الصلوة

و مما رزقناهم ينفقون

صاحبنا  
اولئك هم المفلحون

ضم الله على قلوبهم

أما بالله وبالربم الاضرف

انما نحن مصلحون

لهم عذاب اليم

في قلوبهم مرض

فزالهم الله مرضاً

لا تفسدوا في الارض

انهم هم المفسدون

امنوا كما امن الناس

آمنوا كما امن المستجاب

انهم هم السعفاء

الله يستهزئ بهم

استردوا الصلوة بالهدى

فما رجعت تجارتهم

ما كانوا مهتدين

لا تستوقد ناراً  
وقد لا تلوذ

اضابت ما حولها

ذهب الله بنورهم

ان الله على كل شيء قدير

اعبدوا ربكم

لا تجعلوا لله انداداً

ارعو اشهدوا بكم

من دون الله

ان كنتم صادقين

وقودها الناس والحجارة

اعدت للكافرين

لهم فيها ازواج مطهرة

هم فيها خالدون

ما يظنون الا العاصفين

يقضون عهد الله

يقطعون ما رزقوا به

اولئك هم الخامسون

كنتم امواتاً

هو كل شيء عديم

قال ربك ملائكة

التي جعلت في الارض خيفة

علم آدم الاسماء كلها

استجدوا لادم

ازلها الشيطان

بعضكم لبعض عدو

لكم في الارض مستقر

انه هو التواب

اولئك اصحاب النار

هم فيها خالدون

لا تكونوا ادل كافرين

لا تلبسوا الحق بالباطل

آتاهم الناس بالبر

لا تجزي نفس عن نفس شيئاً

لا يقبل منها شفاعة

لا يؤخذ منها عدل

في ذلكم بلائهم من ربهم عظيم

انتم ظالمون

لن يؤمن لك

حتى تزي الله

استذنبكم الصالحات

قد علم كل اناس شرهم

لن يضر على طعام واحد

ضربت عليهم الذلة

يقننون النبيين بغير حق

فلم اجزهم عند ربهم

فصار خافوا

نمط بر روی می  
ذهب بنورم برز  
سرهو

### آشنائی با قرآن ۳۰

قرآن و تورات: خداوند در آیه ۴۴ مائده سوره ۵ میفرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ

تورات را ما نازل کردیم، در آن هدایت و نور وجود دارد.

این نظر خداوند درباره تورات است و میفرماید در آن هدایت و نور وجود دارد. هدایت یعنی راهنمایی یعنی نشان دادن راه صحیح در میان راه های غلط. نور یعنی روشنائی یعنی در تورات روشنائی برای روشن کردن راه سعادت آن وجود دارد. همان صفاتی که برای قرآن در انجیل در قرآن دیده میشود.

يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّاتُّونَ وَالْأَضْيَارُ

پیغمبران بنی اسرائیل و علمای و دانشمندان یهودی برای یهودیان مطابق آن حکم میکنند،

منظور از پیغمبران بنی اسرائیل پیغمبرانی مثل ایشیا، حزقیال، ارمیا، دانیال و زکریا هستند که کتابهای آن ضمیمه تورات موسی و کتابهای دیگر عهد عتیق است.

بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَرَاهُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءُ

چون از آنها خواسته شده بود که کتاب خدا را حفظ کنند، آنها هم مراقب آن بودند.

از آنها خواسته شده بود که مراقب باشند که احکام کتاب خدا حفظ شود و مردم مطابق دستور کتاب الهی (یعنی تورات) عمل کنند. چون مطابق شماره ۷ و ۳ و ۲۴ خروج تعهد کردند که احکام را بی

فَلَا تَحْسَبُوا النَّاسَ وَآخِشْتُمْ فِيهِ، وَلَا تَسْتُرُوا أَيْمَانَكُمْ بِالَّذِينَ

از مردم نترسید. از من نترسید. و آیات مرا به قیمت کمی نفروشدید.

چون خداوند مطابق باب ۲۶ لایمان و ۲۸ تثنیه از کتاب عهد عتیق به بنی اسرائیل گفت: اگر احکام مرا به تمامی اجرا کنید شما را در دنیا مرفه میکنم و اگر اجرا کنید شما را در آخرت میکنم.

وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَادَلَّكَ هُمْ الْكَافِرُونَ

کسی که مطابق آنچه خدا نازل کرده کتاب الهی حکم نکند کافر میباشد.

تفاوت یهودیان مثل تمام دینداران جهان روی طبیعت حیوانی انسان و پیروی از هوای نفس در نگاه خود از کتاب الهی (از تورات) پیروی نکردند. و بنام یهودی دگوش بودند.

حالا با توجه به قواعد ساده ای که دیده ایم آیه اول تا ۲۸ بقره را معنی کنید. جای لغاتی را که نمیدانید خالی بگذارید یا هر چه نظرتان می رسد بنویسید.

اشاره ای به قواعدی که دیده ایم

ترک	ترکت
ترکوا	ترکت
ترکتتم	ترکت
ترکتکم	ترکت
ترکتوا	ترکت

ماضی: ترک: ترک کرد

ترکوا: ترک کردند ترک کردید ترک کردیم ترک کردی ترک کردی ترک کردید ترک کردیم

مضارع:

ترک: ترک میکنید ترک میکنید ترک میکنید ترک میکنید ترک میکنید ترک میکنید

امر: اَعْبُدُوا: بندگی کنید اَعْلَمُوا: بدانید اَتَّبِعُوا: پیروی کن اَتَّبِعُوا: پیروی کنید

لَا تَعْبُدُوا: بندگی نکن لَّا تَقُولُوا: ننویسید لَّا تَدْعُوا: نخوانید

اسم فاعل:

کافر: کافرون کافرون کافرون کافر مؤمن: مؤمنون مؤمنون مؤمن است

فاعل: کتبه که بعد از فعل بیاید اگر سببی نباشد آفران ضمه ۱ دارد و اگر جمع مذکر لم باشد آفران و ن دارد

مفعول: اگر اسمی بعد از فعل بیاید و آفران فتحه ۱ یا ۲ باشد مفعول آن فعل است. (الذین منبئ است و موصول است. البته چیزی که می آید هم هست)

حروف جر مشهور: علی: بر روی بر آلی: به سوی من: از: فی: در: ل: برای مال: داشتن: به: با: بسبب مطابق: عن: از: درباره

حروف تشبیه: بال فعل: بر سر مبتدا خبر می آید و با خبر مبتدا فتحه ۱ یا ۲ میدهد و عبارتند از: ان: آن: کان: لکن: لعل: لیت

افعال ناقصه: بر سر مبتدا خبر می آید و با خبر فتحه ۱ یا ۲ میدهد: کان: اصبح: لیس در قرآن بیشتر از دیگران می آید.

حروف ناصبه: بر سر مضارع می آید و ضمه ۱ آن را فتحه ۱ تبدیل میکند و آن را از آفران حذف میکنند (غیر از جمع نیش: مثل: ان: لکن: ل: جی: ف

حروف جازمه: بر سر مضارع می آید و ضمه ۱ آن را بسكون ۱ تبدیل میکنند و آن را از آفران حذف میکنند (غیر از جمع نیش: مثل: ل: ان: و اسماء شرط اذا

مجرور ۴: ۱- اسم بعد از حروف جر ۲- مضاف الیه مرفوع ۴: ۱- فاعل ۲- مایه فاعل ۳- مبتدا ۴- خبر

## آشنائی با قرآن ۳۱

راه درسم ها : خداوند در آیه ۴۸ مائده پس از اینکه در آیه ۴۴ و ۴۶ و ۴۸ مائده درباره تورات در بحیث و قرآن سخن میگوید میفرماید:

فَاَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ، وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ،

بین آنها مطابق آنچه الله نازل کرده حکم کن و در باره چیزی که برای تو آمده از آنچه خواهی آنان پیروی نکن.

مسلمان واقعی مطابق آنچه این آیات دیگر قرآن مطابق آنچه الله نازل کرده یعنی مطابق کتاب الهی قضاوت و اظهار نظر میکند و از آنچه مردم نادان خودخواه پیروی نمیکند.

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا، وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً،

برای هر یک از شما راه و دینی قرار دادیم، اگر الله میخواست شما را امت واحدی می ساخت،

خداوند در آیه ۱۳ ثوری میفرماید: «خداوند برای شما از دین همان چیزی را که نازل کردی کرده که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کرده» و فرموده «دین را

بپذیرید و در دین جدا نفرده نشوید. ولی اینکار برای شما گنجه است» (۱۰) دمی بنیمیم که در این آیه درباره خبریات اجرایی در راه ترویجی آن میفرماید: «برای هر یک از شما سبب و مسیحیان

و مسلمانان راه و دینی قرار دادیم» «چون خبریات در دین چندان مهم نیست. چون خداوند در آیه ۳۱ بقره میفرماید: «اگر از زمان بزرگی که از آن نمی شده اید خودداری کنید،

کتابان کوچک شمارندید و میگیریم شمارا با احترام و ارادت میگیریم» ولی متأسفانه مقدس نمایی بی اطلاع از دین درباره مسائل بیجان هم شده اند که در کتاب الهی اثری از آن نمی بینند.

وَلَكِنْ لِيَقُولُوا فِيمَا اتَّكُم فَاَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ.

ولی خداوند میخواهد شمارا با آنچه به شما داده استمان کند.

آیه ۴۴ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ مائده کفایت می بینیم که خداوند درباره تورات در بحیث و قرآن صحبت میکند و میفرماید هر کدام از یهودیان و مسیحیان باید مطابق آنچه خداوند در

کتاب الهی آنان موجود دارد حکم کنند. اگر مطابق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند کافر و ظالم و فاسق هستند. دمی بنیمیم در اینجا خداوند میفرماید: «من میخواهم شمارا با آنچه به شما

داده ام» «شما گنیم. ولی متأسفانه هر سه دسته در این امتحان مردود» میشوند. چون هیچ کدام آنها از کتاب الهی خود پیروی نمیکنند؛ بلکه از چیزهایی در روحانی نمایی دکانه در بنام دین گفته اند

پیروی میکنند. همانطور که عیسی مسیح در شماره ۳ و ۷ تا ۱۰: ۱۵ بحیثی به یهودیان میفرماید: «شما نیز چرا با عقیده خود (از شیخ) از حکم خدا تجاوز میکنید؟» «پس با عقیده خود حکم خدا را

بسن نموده اید. ای ریاکاران شما در باره شما شیونوت غرور است که گفت: این قوم با زبان های خود سخن تقریب میگویند و با بهای خویش برانجام میدهند؛ لیکن در آن از من دور است... زیرا احکام

مردم را یکی فرایض تعلیم میدهند. آیه ۷۹ بقره و ۷۸ آل عمران و ۷۵ بقره را هم ببینید.

مُنَادِی، منادی اسمی است که انسان صدا میزند تا چیزی به او بگوید؛ اگر منادی فقط یک اسم باشد آخر آن ضمّه و میگیرد. مثل **یا ادم** در آیه ۳۵ و ۳۶

اگر منادی مضاف باشد آخر آن فتح میگیرد. مثل **یا اهل الكتاب**

حال: در فارسی به آن **قید حالت** میگویند. چون حال شخص یا چیزی را بیان میکند مثل **علی خندان آمد**. یعنی در حالی که میخندید آمد.  
 حال در عربی بصورت اسم شتقی می آید که آخر آن «ا» باشد.

- اسم مشتق: اسم های شتق ۸ نوع است: ۱- اسم فاعل ۲- اسم مفعول ۳- صفت تشبیه ۴- صیغه جبالغه  
 ۵- افعال تفضیل ۶- اسم آلت ۷ و ۸- اسم مکان و اسم زمان

آیه ۲۸ تا ۳۹ بقره را ترجمه کنید.

جمع (ذوقی) ع ا ل ه  
 ا ر ح و با ل ه ق و ن  
 ه ن



## آشنائی با قرآن ۳۲

انجیل از نظر قرآن، خداوند در آیه ۴۶ مائده سوره ۵ میفرماید:

فَقَيْنَا عَلٰى اَنَّا رَحِمُ بَعْثْنٰى اِبْنَ مَرْيَمَ، مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ

وَبِنَا اِسْمَاعِيْلَ اِبْنَ اِبْرٰهِيْمَ كَذٰلِكَ نُوْرٰتِيْ بُوْدُوْا قَبْلَ اَزَادِ بُوْدُوْا

عَلَيْهِ اِسْمَ اِسْمَاعِيْلَ (اِسْمَاعِيْلَ) وَ اِسْمَ اِسْمَاعِيْلَ فِيْهِ هُدًى دَنُوْرٌ

و به ادا انجیل را داریم. در انجیل هدایت دنور وجود دارد،

و مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ، وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِيْنَ.

و مصدق توراتی بود که قبل از آن بود. و هدایت و موعظه ای برای افراد با تقوی است.

مسلمان واقعی تسلیم نظر خداوند است و کاری به این ندارد که این آیه به کوشش بسیاری از افرادی که ادعای مسلمان می کنند خورده است یا نه. مسلمان واقعی

همانطور که معتقد است در تورات هدایت و نور وجود دارد معتقد است که در انجیل هدایت و نور وجود دارد و انجیل عیسی مسیح مصدق یعنی تصدیق کننده تورات

بودند. چون عیسی مسیح در شماره ۱۷ تا ۱۹ باب نهم انجیل متی میفرماید: «کان میرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء و را باطل سازم نیامده ام. باطل کنم بلکه تمام کنم.

زیرا پر آینه شما میگویم: تا آسمان و زمین زایل نشود هرگز. ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود پس هر که یکی از این حکام کوچکترین را بشکند و به مردم

چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.

سبحی واقعی: خداوند در آیه ۴۷ مائده سوره ۵ میفرماید:

وَلِيَعْلَمَنَّ اَهْلَ الْاِنْجِيْلِ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فِيْهِ. وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ.

باید مسلمان مطابق آنچه الله در انجیل نازل کرده حکم کنند. مسیحیانی که مطابق آنچه الله نازل کرده حکم نکنند فاسقند.

فاسق کسی است که از دستور خداوند اطاعت نمیکنند. کسی که مطابق حکم و نظر خداوند حکم نکنند و نظر دهند فاسق هستند. یعنی از اطاعت خداوند خارج شده اند.

سبحی مسیح در شماره ۲۴ باب ۱۴ انجیل متی میفرماید: «آنگاه مرا محبت تمامید کلام مرا حفظ نمیکنند. و گاهی میگویند که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.»

انجیل با انبیا

اسم مکان و زمان: اسم مکان و اسم زمان بروزن **مَفْعَل** یا **مَفْعِل** می آید مثل مسجد محل سید کریم و مجلس محل نشین یا مشهد محل شات و معبد محل عبادت جمع آن بروزن **مَفَاعِل** می آید مثل مساجد، مجالس، مشاهد، معابد  
 سیزدهم آفران «ة» که تیره باشد مثل مدرسه (مدرسه) که جمع آن مدارس است.

**أَفْعَل تَفْضِيل**: افعَل تَفْضِيل صفت تَفْضِيل یا صفت عالی فارسی است که علامت آن «فارسی» «قر» و «ترین» است مثل «بزرگتر» و «بزرگترین» افعَل تَفْضِيل بروزن **أَفْعَل** می آید مثل **أَكْبَر**: بزرگتر **أَصْغَر**: کوچکتر **أَعْلَم**: داناتر **أَلْقَى** که **أَلْقَى** میشود مونث آن بروزن **فَعْلَى** می آید مثل **كَبْرَى**: بزرگتر **صُغْرَى**: کوچکتر

حالا معنی کنید:

آخر (که راصل آخر بوده) **أَخْرَى** (از بنا بردن) **مَادِي** **مَتَاب** (ذواب)

**مَتَوِي** (زوات)

**مَجَالِس**

**مَجْمَع**

**أَخْرَص**

**أَحْسَن**

**حَسَنِي**

**مَحْشَر**

**مَحْضَر** حضر

**مَحْفَظَه**

**أَحَق**

**أَعْلَم**

**مَحَلَّة**

**أَخْمَد**

**مَخْجَم** مخجم

**مَخْرَج**

**مَدْخَل**

**مَخْزَن** انبار

**أَخْشَبِين**

**أَخْفَ** فخيفت

**أَخْفَى** افتره

**مَدْرَسَة**

**مَكْتَب**

**أَدْنَى** نزدیکتر

**دُنْيَا** دنیای دنیا

**مَذْج**

**أَذَل** ذلیل

**مَذْهَب** مذبه

**مَذَاق**

**مَنْطَر**

**مَنْصَد**

**مَرْجِع**

**مَرَد**

**أَخْلَى** خیرتر

**أَمْر**

**أَرْشَد**

**مَرَاضِع** جای شیر

**مَرَاضِع**

**مَرَاضِع**

**مَرَاتِع**

**أَهْوَل**

واژه اضافه  
 در دو طرف

# آشنائی قرآن ۳۳

عدالت بالاتر از علاقه‌ها،

خداوند در آیه ۱۳۵ نساء سوره ۴ قرآن میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ تَوَاقَّوْا مِثْقَالَ حَبِّ خَلْتُمْ لَقُدَّ بِكُمْ مِمَّنْ لَمْ يَلْمِزْكُمْ فِي شَيْءٍ مِّنْهُنَّ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَلْمِزْكُمْ أَنَّهُمْ كَذِبُونَ

ای افراد با ایمان عدالت را برپا دارید برای الله شهادت بدهید،

وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ

اگر چه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

دیدیم که خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ «حقیقتاً پیغمبران را... فرستادیم... برای اینکه مردم عادل باشند و عدالت را

برپا دارند» (ما خود پرستان بابت خود فرشتان مردم را از این هدف منحرف کردند و آنها را با یک سوز افکار است و او ای دبی از سرگرم کردن با بطوری که افراد دیندار

یقین حاصل جزئی که در دین الهی نداشتند یا در تاریخ گذشته و زندگی گذشته گمان غرق شدند و در باره چیزهایی به بحث و تحقیق پرداختند که اثری از آنها در کتاب

الهی نمی بینیم. و از سخن دینی که در آن مردم عادل باشند و حقی از هیچ دستهای یا میل نشود و اثری از ظلم تبعیض بیاد در جامعه نباشد معاف مانند

می بینیم که در این آیه خداوند صریحاً به افراد با ایمان که مسلمان واقعی و تسلیم حکم و نظر خداوند هستند میفرماید: شما دستان برای خدا باشد و عمل که بخودتان یا پدر و

مادران یا خویشان و نزدیکان شما را از عدالت منحرف نکنند. چون نادانستی مردم حق و عدالت را بالاتر از تمام دوستی ها و دشمنی ها ندانند عدالت فقط یک کلمه زیبا و

دوست داشتنی در سخنان در کتابها و در قوانین خواهد بود که افراد برای خود نمایی و فریب دیگران بکار ببرند. میدانیم که حُب ذات یعنی «دوست داشتن و علاقه به خود»

یا خود خواهی و خود دوستی «در وجود کلیه موجودات زنده وجود دارد. میدانیم که عینیت تاریخی تنها ما شمار می بریم اندازد و ادراک حیات به دو مملکت چشم و گوشه دیگری که در عالم

بسیقت تلاش میکند که از دام راه شود جان خود را نجات دهد و از دام حیات دهد چون خود را دوست دارند. میدانیم که شیر و ببر... دنبال شکار میدوند تا آنها را بزنند و شکار خود را بر

کنند و از دام حیات دهند و شکار هم از آنها میگریزد تا بتواند از دام حیات دهد چون خود را دوست دارند. همان خود را می بینیم که در دام خود میداند و باید از مال خود برای

خود خارج کند تا با شهادت دروغ از مال حق دیگران بمنتفع آنها کار کند. خویشان و دوستان نیز مورد علاقه آن هستند ولی مسلمان واقعی حق و عدالت را بالاتر از تمام دوستی ها و علاقه ها

اسم آلت ۱ اسم آلت که بر آلت دال است  
مَفْعَلٌ وَمِفْعَلَةٌ وَمِفْعَالٌ هِیْ.

آلت یعنی رسیدن و از بار. دال یعنی دلالت کننده یعنی راهنما داشته کننده

مثل مِفْحاح: کفید بازکننده. آلت دو سید و از بار باز کردن مَلَنْسَةٌ: جارد. رسیدن و از بار رو بیدان یا رفتن و مَنَحْتٌ: پیشه. رسیدن را نشین

جمع اسم آلت بروز مَفَاعِلِ هِیْ مثل مَفَاعِلِ کفید که جمع مَفْحاح هِیْ است. جمع اسم مکان و زمان بروز مَفَاعِلِ هِیْ مثل مَفَاعِلِ مَسَاجِدِ  
این وزن در کلمه ای که اول آن « و » باشد بروز مِفْعَالِ می آید مثل مِیْعَادِ از وعده و مِیْثَاقِ از توافق.

صیغه مبالغه: معنی اسم فاعل را میدهد با ضافه زیادی کار یا صفت و وزن های زیادی دارد مثل رِزَاقٌ بَعْلَافَةٌ صِدِّیقٌ عَلِیمٌ شَلُورٌ

صفت شَبِیهَةٌ نشان صفتی دائمی و همیشگی است و از فعل لازم ختم میشود. اسم فاعلی هم که دارنده صفت همیشگی را نشان دهد صفت شَبِیهَةٌ است مثل عَالِمٌ دانشمند

صفت مشبیه نیز از وزن زیادی دارد مثل شَرِیفٌ حَسَنٌ عَالِمٌ شَجَاعٌ صَعْبٌ دُرٌّ

بنابر این اسم فاعل و صیغه مبالغه و صفت مشبیه برکننده کار یا دارنده صفتی دلالت میکنند فقط صیغه مبالغه بر زیادی صفت و صفت

مشبیه بر همیشگی دائمی بودن صفت دلالت میکنند.

معنی کنید:	عَلِیمٌ	کَرِیمٌ	شَرِیفٌ	کَبِیرٌ	صَغِیرٌ	شَلُورٌ	رُفُوفٌ
ورد	کفود	جود	مدرسه	کتاب	مفتاح	مضرب	
مقبره	مسجد	معبد	کافر	شاید	رحم	عفور	
عزیز	حکیم	محیط	شمع	بصیر	خطیب	خاله	
شکر	ناظر	خافض	مؤمن	ایم	ناصر	مصور	
مکتوب	سطور	علامت العیوب	رزاق	رزاق	صدق	صدق	

خداوند در آیه ۸ مائده سوره ۵ قرآن میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ تَوَاقَّوْا مِثْلَ اللَّهِ، ثُمَّ دَابَّوْا بِالْقِسْطِ؛

ای افراد باایمان مراقب اجرای حکام خدا باشید و بعدالت شهادت دهید؛

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاكُمُ عَلَى الْاِتِّعَادِ لَوْ؛

و دشمنی رسته ای شمارا به بعدالتی داندازد؛

اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى.

عادل باشید. چون عدالت تقوی نزدیکتر است.

هم که خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ «در پیغمبران را... فرستادیم... برای اینکه مردم عادل باشند و عدالت را ایجاد کنند» و دیدیم

که میفرماید: لَوْ تَوَاقَّوْا مِثْلَ اللَّهِ... وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ «عدالت برپا دارید... اگر چه بضر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان باشد»

یعنی عدالت را بالاتراز تمام عهده ها و دوستی ها بدانید. در این آیه هم می بینیم که خداوند میفرماید متوجه باشید که «دشمنی باعث نشود که بعدالتی کنید» یعنی عدالت را

بالاتراز تمام دشمنی بدانید. چون آن با یا بنماظر عهده ها یا یا بنماظر نفرت و بعدالتی میگذرد. عهده ها یا بنماظر نفرت خود و پدر و مادر و نزدیکان خود، و نفرت از دشمنان خود. می بینیم که خداوند

در این آیه میفرماید متوجه باشید که دشمنی شمارا به بعدالتی داندازد و باعث نشود که شما بعدالتی کنید. مسلمان واقعی برای اینکه بتواند این رتبه خداوند را اجرا کند باید تمام مردم دنیا

را به دین واقعی دعوت کند یعنی سعی کند تمام دینداران جهان به کتاب نبی خود عمل کنند تا به حقیقتی که بنام دینشان زده شده، و زده میشود مطابق دستور خداوند در

آیه ۷ مائده «وَلِيُحْكَمَ أَهْلَ الْاِثْمِ بِالْاِثْمِ الَّذِي فِيهِ. وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». «باید عیسویان (اهل انجیل) مطابق آنچه

اللَّهُ (خداوند) در انجیل نازل کرده حکم کنند. کسی که مطابق آنچه ما نازل کرده حکم نکند، فاسق است» چون عیسی مسیح در شماره ۲۱ باب ۱۴ انجیل یوحنا میفرماید: «هر که حکم مرا دارد و آنهارا

حفظ کند آن را محبت منیاید» و در شماره ۲۰ باب پنجم انجیل متی میفرماید: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسان افزون نشود هرگز بملکوت آسمان اهل نخواهد

معنى كنيده وعلت إعراب يعني حركات حرف آخر كلمات رابعا كنيده

فأقر دأمانيس من القرآن

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء

من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون

أفله يتدبرون القرآن

لقد ربه ما القرآن للذكر

لقد أرسلنا رسلكنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط

قل يا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم ألا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا آباؤا من دون الله

لا تقف ما ليس لك به علم

ان يطع أكثر من في الأرض يضوكم عن سبيل الله ان يتبعون إلا الظن وان هم إلا يخرصون

ان اريد الا الاصلاح ما استطعت

لا تغفوا في الأرض

في أموالهم حتى معلوم لبئس المحرم

يا أيها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا

لا يزالون يقاتونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطعوا

انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا بأموالهم وانفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون

لا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوصين

اربع الى سبيل ربك بالحنية والمعطرة الحسنة وجاهد لهم بالتي هي احسن

قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انما من اتبعني

ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عدلوه كما نهى في حميم

ولكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر اولئك هم المفلحون

يعملون

تلك امة قد دخلت لها ما كتبت لكم ما كتبتم ولا تسئلون عما كانوا

ان تجتنبوا الباطل ما تهون عنه تكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما

## آشنایی با قرآن ۳۵

امر خداوند:

خداوند در آیه ۲۹ اعراف میفرماید:

قُلْ اِمْرٌ لِّي بِالْقِسْطِ.

بلو صاحب اختیار من بعدالت امر کرده.

مسلمان واقعی تسلیم امر خداوند خود میباید و سعی میکند که امر خداوند در همه جهان اجرا شود و اثری از ظلم و انجاف و تبعیض بیجا در جهان باقی نماند.

فرمان خداوند:

خداوند در آیه ۹۰ نحل سوره میفرماید:

اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ...

اللّٰه به عدالت و نیکوکاری امر میکند.

مسلمان واقعی تسلیم امر خداوند میباید و با مال و جان خود کوشش میکند که با بیداری و توجه خشن مردم دنیای خسته شود که مردم آن عادل و نیکوکار باشند.

سخن مسلمان:

خداوند در آیه ۱۵۲ انفصام سوره میفرماید:

اِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى.

وقتی حرفی میزنید عدالت را رعایت کنید اگر چه پای خویشان در میان باشد.

مسلمان واقعی وقتی حرفی میزند حق و عدالت را رعایت میکند. چون مسلمان واقعی حق و عدالت را بالاتر از تمام دوستی و دشمنی میداند. چون این فرمان خداوند است.

قضات مسلمان:

خداوند در آیه ۵۸ نساء سوره میفرماید:

اِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ، اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

خداوند میفرماید: وقتی بین مردم حکم میکنید بعدالت حکم کنید.

معنی کنبد و علت حرکت حرف آخر کلمات را بیان نماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

وَأُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْ دُورِهِمْ

عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

فَزَادَهُمْ اللَّهُ مَرَضًا

أَتَمَّ مَن مَّصَّحُونَ

أَنَّهُمْ هُمُ الْمُسَيِّدُونَ

أَمْثَلًا كَمَا مَن النَّاسُ

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِكُفْرِهِمْ

فَمَا رَجَعَتْ بِحَادِثِهِمْ

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

لَشَرِّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ نِقُولٌ

هَمٌّ فِيمَا عَالَمِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْمَعُ إِنْ يُعْرَبَ مِثْلًا

يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ

إِنَّ اللَّهَ يَكْفُلُكُمْ

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِئِمَّةِ

الَّتِي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً

قَالَ يَا آدَمُ اسْكُنْ

أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

وَمَنْ تَبِعَ هَدَايَ فَلَا خِيفَ عَلَيْهِمْ

لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ

وَأَنْتُمْ عَلَىٰ حُدُودِهَا

لَا تُلْوُوا آيَاتِ اللَّهِ

أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَأَنْتُمْ عَلَىٰ حُدُودِهَا

أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَأَنْتُمْ عَلَىٰ حُدُودِهَا

لَا يَفْعَلُ مَعَهُمْ

لَا يَتَّخِذُ مِنْهَا حَمَلًا

وَأَنْتُمْ عَلَىٰ حُدُودِهَا

أَنْتُمْ ظَالِمُونَ

لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ عَمَىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً

أَخَذْتُمْ السَّاعَةَ

كُلُوا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمْ

كُلُوا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمْ

كُلُوا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمْ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَلْفَحُونَ

وَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُسْلِمُونَ

Handwritten notes in Persian script, including phrases like "من تبع هداي فلا خوف عليهم" and "والتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا".



## آشنائی با قرآن ۳۶

### سوق انسان‌ها:

عدالت یعنی رعایت تمام حقوق تمام انسان‌ها.  
 هر انسانی حق دارد جان و مال و ناموس و آزارش و فخر و خیالش در امان باشد.  
 نگاہی به آثار آوارگان جهان نشان میدهد تا چه اندازه حقوق انسان‌ها محترم می‌باشد!

### حق حیات:

خداوند در آیه ۲۳ امر ۱۷ میفرماید:

لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

«کسی را که الله بجانش را محترم داشته نگشاید؛ مگر اینکه ضرورتی داشته باشد.»

خداوند در آیه ۳۲ ماده ۵ میفرماید:

### ببین رفتن آخرم جان:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ، فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

«کسی که انسانی را بکشد بدون اینکه او انسانی را کشته باشد یا مرتکب فساد در زمین شده باشد مثل این است که همه مردم را کشته.»

### جزاء قاتل:

خداوند در آیه ۹۳ سوره نساء میفرماید:

مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ

«جزاء کسی که مؤمنی را عمدتاً بکشد جهنم است.»

«... أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ»

سوره مائده

جان در مقابل جان،

آیه ۴۵

جامعه اسلامی جان انسان در امان است و هیچکس را نمیتوان کشت مگر اینکه کسی را کشته باشد یا مرتکب فساد شده باشد چون «فساد از آدمکش بدتر است»

تورات قتل:

شماره ۴ (باب ۲۰ خروج شماره ۱۷ باب ۵ تثلیث میفرماید:  
خدا انکم فرموده همه این کلمات را بگفت:

«... قتل مکن...»

مجازات قتل در تورات:

شماره ۶ ده سوال

شماره ۴ (باب ۲۱ خروج میفرماید:

« اگر شخصی عمدا بر هم یا خود آید تا او را به مکر بکشد، آنگاه او را از مذبح من کشیده بقتل برسان.»

سفر (کتاب خروج و سفر تثلیث کتاب دوم و پنجم از کتاب عهد عتیق است و مذبح جانی بوده که حیوان در آن زبح میشده و جایی مقدسی بوده است.

انجیل و قتل

عیسی مسیح در شماره ۱۸ باب ۱۹ انجیل متی در جواب کسی که از او پرسید: «چه عمل نیکوتر است تا حیات جاودانی یابم؟» میفرماید:

« قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده. پدر و مادر خود را محترم دار. دهم به خود را مثل نفس خود دوست دار.»

مجازات قتل در انجیل:

مجازات قتل در انجیل همان مجازات قتل در تورات است. چون عیسی مسیح در شماره ۱۷ باب ۵ انجیل متی میفرماید:

« گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم.»

« هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در مملکت آسمان کمترین شمرده شود. ۱۱: ۱۹ متی

یعنی هر کس یکی از کوچکترین احکام تورات را بشکند در مملکت آسمان (بهشت) کمترین شمرده شود (یعنی حساب میشود). عیسی نیامده تا احکام تورات را نسخ کند

بلکه آمده تا مردم احکام تورات را عمل کنند تا احکام افراد بشری را که بنام شیخ نامیده میشدند چون در شماره ۳ و ۹ و ۱۳ باب ۱۵ انجیل متی میفرماید:

« شما با تقلید خود (از شیخ) از حکم خدا چرا تجاوز میکنید؟ » « اشعیا درباره شما میگوید که گفته است: ... پس عبادت مرا عبث میکنند زیرا احکام مردم را بمنزله

فرائض تعلیم میدهند. » « هر فضائی که پدر آسمانی من نگاهشته باید کنده شود. » می بینیم که مبارزه او با حکامی است که شیخ یهودیگامی احکام خداوند وضع کرد

## آشنائی با قرآن ۳۷

زنا:

یکی از حقوق زنان این است که ناموس آنها در امان باشد.

دلی تا سفاکانه، بندهکان پول و شهرت در برابر دنیا سعی میکنند از زنان بصورت کالای شهوی استفاده شود.

دلی خداوند در آیه ۳۴ امرع بوره ۱۷ میفرماید:

لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا.

«به زنا نزدیک نشوید. چون زنا کاری زشت و بد راهی است.»

مجازات زنا در قرآن ۱۰۰ تا زینانه است. چون خداوند در آیه ۲ نور بوره ۲۴ میفرماید:

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ.

«به هر کدام از زن و مرد زنا کار ۱۰۰ تا زینانه (شلاق) بزنید.»

در شماره ۱۴ باب ۲۰ خروج شماره ۱۸ باب ۵ تفسیر آمده است.

زنا در قورات:

«قبل ملن.»

زنا در نجس نهی شده است و باز ناکار نباید معاشرت کرد و غذا نخورد و زنا کار در ارت ملکوت خدا نمی خورد.

زنا در انجیل:

چون عیسی مسیح در شماره ۱۹ باب ۱۹ انجیل متی میفرماید:

«قتل ملن. زنا ملن. دزدی ملن. شهادت دروغ زده. پدر و مادر خود را حرمت دارد و همسایه خود را مثل نفس خود در دست دارد.»

دیل (پولس) در شماره ۱۱ باب ۵ شماره ۱۰۶۹ باب ۶ رساله اول خورد به قرنتیان بنویسد:

«اگر کسی که برادر نامیده میشود زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا گیسو را با سنگر باشد یا چنین شخصی معاشرت کنید بلکه غذا هم نخورید.»

«فرب نخورید.» زیرا انانسان دبت پرستان و زانبان و قسمان و لواط

و دزدان و طمعکاران و میساران و فحاشان و دنگران و ارت ملکوت خدا نخواهند شد.»

«اگر کسی برای خود زنی گیرد چون به او در آید ادا کرده دارد و اسباب حرف بد و نسبت داده... دگوبید... او را با کوه بنافتم... اگر این سخن راست باشد... آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش ببرد و او را اهل شهرش او را با سنگ سنگ و نمائید تا بمیرد... اگر مردی یافت شود که با زن شوهری هم بسته باشد پس مرد یعنی مردی که با زن خوابیده است دزن گشته شوند... اگر دختر با کوه ای به مردی نامزد شود دیگری او را در شهر یافته با او هم بسته شود پس مردی ایشان را نزد دروازه شهر ببرد آورده ایشان را با سنگ سنگ رکنند تا بمیرند... اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یا بدون آن مرد به او زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابیده تنها گشته شود... اگر مردی دختر با کوه ای را که نامزد نباشد یا بدو او گرفته با او هم بسته شود گرفتار شود، آنگاه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه شقال نقره به پدر دختر بدهد آنی دختر زن او باشد. چونکه او را دلیل نخواست و نامی عمرش بخشود (او را نکند)»

مجازات زنا در انجیل:

در شماره ۳ تا ۱۱ باب هشتم پوختا آمده است:

کاتبان و فریسان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند او را در میان بر پا داشته بدگفتند: ای پسر این زن در عین عمل زنا گرفته شد و موسی به ما حکم کرده است که چنین زنی را سنگ بزنند. اما تو چه میگوئی؟ و این را از روی اطمینان به او گفتند تا ادعای برادرسدالکند. اما عیسی سر بریزانگنده به آن گفت خود بر روی زمین بنشین. چون در سوال کردن الحاح میکردند راست شده بدیشان گفت: هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد. و باز سر بریزانگنده بر زمین بنشین. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا با خرم یک برون رفتند عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان پیاده بود. پس عیسی راست شد و غیر از زن کسی را ندید بدگفت ای زن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچکس بر تو فتوی نداد؟ گفت هیچکس ای آن عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمیدهم برود بیرونه مکن.

می بینیم که حکم سنگ راز تورات است در قرآن مجازات تا زنا به زدن وجود دارد. ولی امروزه نه در اسرائیل نه در هیچیک از کشورهای مسیحی حکم سنگ زنا کار اجرا نمیشود. همانطور که حکم تا زنا به زدن به زنا کار کشورهای اسلامی اجرا نمیشود. بنابراین که امروزه تمهید میشود روی کس و خشونت و جنایت در میزند یعنی بجای اینکه در تربیت انسان مأمور باشد به شوخی آن بایستد از زور. آبا عقل حکم نمیکند که تمام دینداران در اصلاح طلبان جهان برای حکیم خانواده با هم متحد شوند.

## آشنائی با قرآن ۳۸

حق مالی:

یکی از حقوق انسان، حق مالی است. باید مال انسان را از تجاوز مصرون باشد.  
ولی این حق در تمام دنیا توسط فریبکاران و قدرتمندان با میل میشود.

خداوند در آیه ۱۸۸ بقره سوره ۲ میفرماید:

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

مال یکدیگر را میان خود باطل و بناحق نخورید.

وَتَدْرُوا إِلَيْهَا إِلَى الْحُكَّامِ لَتَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ

و آن را پیش حکومتها (قاضی) نیندازید تا مقداری از مال مردم را به گناه بخورید.

در این آیه می بینیم که در جامع بشری افراد پستی وجود دارند که مال دیگران را بناحق میخورند و چشم به مال دیگران دوخته اند و سعی میکنند با طرح و کج ادبش قاضی و بخاطر

بی اطمینان از جمل دبی اطمینان قاضی و گرفتن یک کیل زبردت در رنگ مال دیگران را بخورند و از رشوه دادن و استخدام یک کیل زبردت ترسی ندارند. خداوند مسلمانان را از

اینکار منع میکند. و یک فرد واقعاً مسلمان که تسلیم حکم خداوند است و از سرسچی از حکم خدا و روز قیامت تیرس و چنین کاری نمیکند.

خداوند در آیه ۲۸۲ بقره در باره قرض میفرماید:

إِذَا دَأَبْتُمْ بِلَدِينِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَالْتَبَوْهُ

وقتی برای مدت معینی قرض بهم برادید آن را بنویسید.

وَلَا تَسْمُوا أَنْ يَكْتُبَهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ

و از نوشتن آن چه کم باشد چه زیاد برای مدت قرض ناراحت نشوید. اینکار پیش خدا عمارت تر است.

بنشیند که خداوند توبه میبرد مقدار قرض مدت آن را چه کم باشد چه زیاد بنویسید و از نوشتن آن ناراحت نباشید. چون از اختلافات بعدی جلوگیری میکند چون آن را فراموش نمیکنند.

اشخاص عادل و مسلمان بخود اعتماد دارند از نوشتن آن خودداری نمیکنند. دلی اینها وجدوی فریبکاری و کلاهبرداری افراد پست و فریبکار است. چون آن با بطلان راجحت فرج میکنند و حساب پرداخت آن را میکنند. در معامله شریکت با هم آن باید تحقیق کامل کند. در وی طرفی و تعریفی دیگران الهیمان و اعتماد بجا باید آنگاه و بحرف آنها اعتماد نکرده چون:

خداوند در آیه ۲۴ صوره بقره میفرماید:

اِنَّ الشِّرْكَاءَ مِنَ الْخُلَاطِءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ۗ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ وَقَلِيْلٌ مَّا اُرَاهُمْ  
جلی از شریکت به شریک خود ظلم میکنند. مگر افراد با ایمانی که عمل صالح (کار درست) میکنند. تعداد این افراد کم است.

لذا مسلمانان واقعی و افراد واقع بین و عاقل در امور مالی جهیاط کامل میکنند و میدانند در میان رو باه و خردس هر روز در اجتماعات بشری صورت میگیرد و میدانند طراح این دزدان در روز آن به صفت میکنند و رو باه خردس انسان های فریبکار در ده دل هستند و گرنه میدانند رو باه و خردس با هم حرف نمیزنند تا بتوانند فریب بدهند و فریب بخورند.

متأسفانه می بینیم که بازکراننده حق مالی یکی از حقوق بشر شناخته شده با یک حکم (دزدگنی) حق انسان را پایمال میکنند.

امام صادق در حدیث ۵ صفحه ۸۶ جلد ۱۳ اول الشیعه و حدیث اول صفحه ۵۴۳ جلد ۱۸ اول من الشیعه میفرماید:

اَيُّ اَجَلٍ اَبَى رَجُلًا فَاَسْقَرَضَ مِنْهُ مَا لَا يَحِقُّ نَسَبَهُ اَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَاِنَّكَ اَلْتَصُّ الْعَادِي  
هر کسی که کسی قرض داند از او مالی قرض گرفت و قصد داشت که آن را ندهد دزدان بزرگ است و مجازد معمولی است.

اللصُّ مَخَارِبٌ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاسْلُوهُ

دزدان مکارب با الله (خدا) و پیغمبر او است و کشتید.

این نظر امام صادق علیه السلام است و ما بنظر او عملی نشود فریبکاران افراد ده دل دزد و داور را فریب میدهند و مال او را میخورند.

### تورات دزدی:

در شماره آنا ۳ باب ۲۲ سفر خروج آمده است:

و اگر کسی گاوی یا گوسفندی را بدزدد و آن را بکشد یا بفروشد بعضی گاو پنج گاو و بعضی گوسفند چهار گوسفند بدهد \* اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود داد را طوری بزنند که ببرد بازخواست خون برای او نباشد \* اما اگر آفتاب بر او طلوع کرد بازخواست خون برای او است. البته مکافات باید داد. و اگر چیزی ندارد بعضی دزدی کرده فرخته شود.

شاید بشود مجازات او را کار کردن برای حساب مال با مورد مبلغ آن حساب توهم آن تا پایان خود آن تعیین کرد با کمترین هزینه زندگی دزد.

### آشنائی با قرآن ۳۹

### آرامش فکر و خیال:

خداوند در آیه ۱۱۱ احزاب سوره ۴۹ میفرماید:  
 لَا يَسْتَرْقُونَ مِنْ قَوْمٍ... وَلَا يَلْمِزُوا أَنْفُسَهُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ...

دسته ای کشته دیگر را مسخره نکنند... و از هم عیبجویی نکنند. و لقب زشت به هم ندهند.

اجْتَنِبُوا الْبِئْرَانَ مِنَ الظَّنِّ. إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِمٌّ وَلَا يَجْتَسُوا وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

از بسیاری از گمان ها خودداری کنید. چون بعضی از گمان ها کاذب است.

و تجسس نکنید. و بعضی از شما از بعضی غیبت نکنند.

می بینیم که در این دو آیه خداوند مسلمانان را از عیب کاری منع کرده: ۱- مسخره کردن دیگران. ۲- دنبال عیب دیگران گشتن. ۳- لقب زشت به هم

دادن. ۴- بدگمانی نسبت به هم. ۵- تجسس در کارهای خصوصی هم کردن. ۶- غیبت.

**غیبت** یعنی در غیاب کسی عیب او را گفتن و از او بدگویی کردن. عیبی که در او وجود دارد و دیگران نمی بینند و از آن اطلاعی ندارند. اگر عیبی که ندارد

به ادبیت بدهند تهمت نامیده میشود. تهمت دروغی است که شخص سر هم کرده و بهم بافته است و حقیقت ندارد ولی غیبت بیان حقیقی است که بنا بر لقمه شود.

دیدیم که در این میثاق دنیایی ما کپی با زد که در آن اثری از نظم فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت شان نباشد و دیدیم که قدرتمندان و حیره خوان

و فریب خوردهگان آمان همیشه در طول تاریخ متقابل پیغمبران دنیا پرستان را همین دو واقعی می گزینند و جنگی واقعی چه پنهان و چه آشکارا با آنها داشتند. این قدرتمندان

عبارت بودند از حکومت (فرعون ها) در باستان (مصر) قدرتمندان (قارون) ریحانیون مدافع دین مغلط در ایام زمان (عیسای رومیان)

این مبارزه بصورت ایجاب شد و تردید، تحقیر، تمهید، آزار و شکنجه، قتل دنیا پرستان واقعی، جنگ واقعی و درجه، در صورت شکست بصورت تحریف دین

یعنی تغییر معنی لغات و تفسیر آن بر خلاف نص صریح آن و معنی روشن آن صورت میگرفت و میگردد و ما دنیا را از واقعی به کتاب دینی خود ایمان نیاوردند و آن را نخواندند

فهمند دنبال اجزای آن نروند و دیگران را با حقیقت دین که سخن یک دنیایی پاک است آشنا نکنند این جنگ وجود خواهد داشت.

مسلمانان واقعی یعنی کسانی که واقعا تسلیم حکم و نظر خدا هستند باید قرآن را بخوانند و در آیات قرآن و تاج و تورات و نظری آن تدبر و اندیشه کنند چون خداوند در آخر سوره بقره میفرماید: **ذُكِرُوا مَا كَيْدُ مَنِ الْقُرْآنِ** «تا آنجا که میخوانید قرآن بخوانید» در آیه ۸۲ سوره بقره ۴ و آیه ۲۴ محمد سوره ۷ میفرماید: **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ**

**الْقُرْآنَ**؟ «آیا در آیات قرآن اندیشه و تدبر نمیکنید؟!» پس از فهم هدف و الای دین درک این جنبه دائمی آشکار و نهان باید با جان و مال خود در راه این مبارزه

حقی باطل با اتقان کلیه مفردان خود و اصلاح طبیان واقعی شده چون تنوعی دهین مبارزه کنند چون خداوند در آیه ۵ حجرات سوره ۴ میفرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ**

**آمَنُوا بِاللَّهِ دَرَسُوهُ لَمْ يَأْتُوا بِالْحَبْلِ وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلِئَلَّكَ هُمُ الصَّادِقُونَ** «افراد مومن و باایمان واقعی فقط کسانی

هستند که به الله پیغمبرش ایمان آورده و با مال و جان (یعنی خشن یک دنیا پاک) جهاد کرده و چنین افرادی راست میگویند» در راههای خود صادقند و

ایمان دارند. قرآن در آیه ۳ صف سوره ۶ میفرماید: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بَيِّنَاتٍ مَرصُوعًا** «الله کسی را که

بیکار و بی تشکل (صفیته) چون تنوعی آهین (دینی تهور) در راه او (خشن یک دنیا پاک) میجنگند دوست دارد» لذا از تفرقه و جدت فکری نماند چون الله

در آیه ۱۰ آل عمران میفرماید: **لَا تَلُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا** «شما مثل کسانی که چهار تفرقه و جدت فکری شده نباشید» و برای اینکه همه باید در قرآن جمع شوند

چون آیه ۳ آل عمران میفرماید: **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** «همگی به رشته الله (خدا) (یعنی قرآن) چسبید و چهار تفرقه نشوید» چون وقتی همه

اینکار را کردند نکات مبهم آن هم در راه خشن یک دنیا پاک برای افرادی که اشتباه کرده اند روشن میشود و توراتی خداوند و نظری آنی او را بدستی درک میکنند.

مسلمانان در دعای خود از خداوند میخواهند که گیت ای از مسلمانان در قرآن قرار ندهد ۱۰۰ فقره آیه ۱۰ حشر سوره ۵۹ میفرماید: **يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ**

**لَنَا وَلَا لِخَوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا** «افراد باایمان میگویند: صفت خیار ما و برادرانمان را که قبل از ما ایمان

آوردند یا مرز و در دل ما کینه نسبت به افراد باایمان مسلمانان قرار ندهد» دشمن و عیبجویی و لقب زشت به هم دادن و بدگمانی و تحسین در کارهای خصوصی افراد و

عینیت از این کارها جلوگیری میکند چون باعث دلجویی نمیشود و کینه جوئی نمیشود. لذا مسلمانان واقعی از اینکار اجتناب میکنند و مردم را با حکمت و بصیرت به

راه خداوند دعوت میکنند. چون قرآن در آیه ۱۲۵ نحل میفرماید: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**

«مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه صفت خیار دعوت کن و با بهترین روش با آنها بحث و گفتگو کن» مسلمانان مطابق آیه ۶۰ انفال سوره ۸

باید نیروی لازم را برای این مبارزه دائمی فراهم کنند و باید از تمام وسائل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، اینترنت، کامپیوتر، فیلم، تئاتر و غیره



# آشنائی با قرآن ۴۰

آرامش خیال:

خداوند در آیه ۵ حجرات سوره ۴۹ میفرماید:

إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِمِثْلِهَا لَمْ تَصْبِحُوا أَعْلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ بَادِمِينَ  
اگر فاسق خبری برای شما آورد اول درستی آن را معلوم کنید تا مبادا از روی نادانی مصیبتی به قومی وارد کنید،

و بعد از کاری که کرده اید پشیمان شوید.

فاسق کسی است که دستور خداوند را اجرا نمیکند. در اسلام حکم خداوند است که ندانسته چیزی ننویسد. حتی بسیاری از چیزهایی که میدانید حق ندارد بگوید.

(مثل زمانی دروغی اگر عیاش بدیده باشد حق ندارد بگوید) علی علیه السلام در وصیت کفایتش (خود با امام حسن ع در نامه ۳۱ نهج البلاغه میفرماید:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قُلْتَ مَا تَعْلَمُ  
« آنچه نمیدانی نگو. اگر چه چیزی را می دانی که میدانم (که باشد)» و در سخن کوتاه حکمت امیر ۳۷۴ یا ۳۸۲ نهج البلاغه میفرماید:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَلَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ  
« آنچه نمیدانی نگو. و تمام چیزی را که میدانم (که باشد)» چون حرف های ناگفتنی که آن ۴ میدانند زیاد است.

دلی میدانیم که افرادی شخصیتی که برای ابراز وجود و اظهار فضل هر چه را از زیر آن شنیدند و هر چه بنظرشان آمد بدون کوچکترین شرم و حیای بازگو میکنند. خداوند

در این آیه دستور میدهد از چنین افرادی بر حذر باشید. چون چنین افرادی و آدم های دروغگوئی که روی دشمنی دروغ میگویند در جامعه های شهری زیادند.

بازگ کردن شایعات:

قرآن در آیه ۱۵ نور میفرماید:

إِذْ تَلَقَوْهُ بِاللَّيْلِ لَم يَجِدْهُمْ يَخْفَوْنَ عَلَيْهِمْ  
وَتَقُولُونَ يَا هَذِهِمْ الَّذِينَ كَانُوا يَكْفُرُونَ  
وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمُونَ  
هون: کم است  
اهانت: کم کردن کرامت کردن

وقتی شبانی شبید از زمین میگردید و چیزی را بازگو میکنید که از روی آن اطلاع ندارید.

و فکر میکنید کار ساده ای است. در روز میبینید پیش الله که بزرگی است.

متأسفانه بعضی بی ایمانی یا بی اطلاعی از قرآن و نظر خداوند می بینیم که بسیاری از افراد اینکار را میکنند تا خود را مطلع از کلیه امور قلندار کنند. در صورتیکه

عنه دامم العصفافه من ارضنا والهم

نوبه ندارند با اینکار چاه بنده و خود خوانده خود زندگی را برای یک فردانی و خا نوازه در ایشان او به یک چشم تبدیل میکنند و روزگار او تیره میزند.

مردوری بر گذشته

توجه کنید:

مضارع

ماضی

أَنَا أَقُولُ	أَنَا قُلْتُ	أَنَا ذَهَبْتُ	أَنَا ذَهَبْتُ
أَنْتَ تَقُولُ	أَنْتَ قُلْتَ	أَنْتَ ذَهَبْتَ	أَنْتَ ذَهَبْتَ
هُمْ يَقُولُونَ	هُمْ قَالُوا	هُمْ ذَهَبُوا	هُمْ ذَهَبُوا

لَا تَعْبُدُوا	لَا تَعْبُدُوا	لَا تَعْبُدُوا	لَا تَعْبُدُوا
أَصْبِرُوا	أَصْبِرُوا	أَصْبِرُوا	أَصْبِرُوا

باب افعال: آمِنَ أَصْلَحَ آمَنُوا أَصْلَحُوا آمِنُوا آمِنُوا آمِنُوا

باب تفعیل: صدق صدقوا صدقوا صدقوا صدقوا صدقوا

باب مفاعلة: قَاتَلُوا قَاتَلُوا قَاتَلُوا قَاتَلُوا قَاتَلُوا قَاتَلُوا

باب تفاعل: تَشَابَهَ تَشَابَهَ تَشَابَهَ تَشَابَهَ تَشَابَهَ تَشَابَهَ

باب استفهام: اسْتَظْفَعُ اسْتَظْفَعُوا اسْتَظْفَعُوا اسْتَظْفَعُوا اسْتَظْفَعُوا اسْتَظْفَعُوا

باب انفعال: انْبَغَتْ انْبَغَتْ انْبَغَتْ انْبَغَتْ انْبَغَتْ انْبَغَتْ

باب انفعال: اجْتَبَا اجْتَبَا اجْتَبَا اجْتَبَا اجْتَبَا اجْتَبَا

باب تفعیل: اتَّجَدُوا اتَّجَدُوا اتَّجَدُوا اتَّجَدُوا اتَّجَدُوا اتَّجَدُوا

ترتیب سوره های قرآن: ۱۶- حجر ۱۷- امراء ۱۸- انف ۱۹- بقره ۲۰- طه

# آشنائی با قرآن ۴۱

لو حید :

خداوند در آیه ۴۵ زمر سوره ۳۹ میفرماید :

وَإِذَا ذُكِرَ لِلَّهِ وَحْدَهُ شَمَّرَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ،  
وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذْ هُمْ يُسَبِّحُونَ.

وقتی فقط صحبت از الله باشد دل کسانی که ایمان به آخرت ندارند چپا و تنفر میشود،

وقتی صحبت از کسانی غیر از او میشود غمگین میشوند.

مردم با غم و مبالغه و زلفی می کشند که در مورد افراد می شود یا آنها را قد مند می کنند و یا آنها را بستی پیدا میکنند. همانطور که درباره تبلیغاتی که در مورد اخبار جاری

می بینیم که با تبلیغات و مبالغه لونی می کشند که درباره یک چیز می شود مردم علاقه مند می گردند آن جنس می شود. در دین هم مطلب همینطور است. هر کس از پیروان مذاهب جهان از

بسی که برای آنها شتمه شده پیروی میکنند، هر کس از پیروان مسالک سیاسی (الایسم) یا نیز همینطورند و طبیعتاً وقتی درباره کسی که برای آنها شتمه شده است و

بصورت بی درآمده صحبت شود کیف می کنند و لذت می برند. چون با اسم او آشنا هستند چیزی را بی هر چه کم تر و کوتاه ناقص باشد درباره آن میدانند.

دل بستگی بر عقاید پیدان :

جستجو آوری کا

چنانچه

خداوند در آیه ۷۰ اعراف سوره ۷ درباره قوم عاد میفرماید پیغمبرشان انودع لقتلهم

أَجْمَعًا لَتَعْبُدَ اللَّهُ دَعْوَةً وَتَدْرُكُ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَلَمْ نَجْعَلِ لَكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكَ تَنْتَهِزُ مِنَ الصَّادِقِينَ .

آیا الله ای که ما فقط الله را بنده می کنیم و آنچه پدران ما می پرستیدند ترک کنیم؟! اگر راست می گویی عدلی که ما وعده میدیم بر سر ما می آورده

این یک دعوت بوده است. همه پیغمبران می آمدند تا مردم را از دین منحرف خود بر گردانند و آنها را به توحید دعوت میکردند چون هر دینی بوسید دین فروشان

در کان راران (دکانداران) دینی از اصل خود منحرف میشد و بوسید از تراق و کس معاش یک دست میشد. و این دکانداران دینی را برای مردم بصورت یک معمای پیچیده

در می آوردند، در صورتیکه همانطور که دیدیم دین یک حرف روشن داشت یعنی روشن یک دنیای پاک که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خروشیدن

نهیست آن؟! باشد، تمام تعلیم دینی برای تربیت انسان برای روشن شدن چنین دنیایی بوده است. ولی دکانداران دینی را بصورت لطفه و فقه در آوردند.

چشم بگردانید  
در آیه ۴۵ زمر سوره ۳۹  
مردم را بگردانید  
مردم را بگردانید

وای آنهایی که  
بسیار از  
آیات خداوند  
بیگانه شدند

مانظور که میدانیم مسیح علیه السلام ۲۰ قرن پیش برای هدایت مردم بسواد آن زبان تلمیذ آمد و بقدری ساده صحبت میکرد که مردم آن زمان حرف او را میفهمیدند و بعد  
برادریان آوردند ولی در کلامشان از آن عقیده عبودیت او را برکنار دادند و او را به صلیب (دارم کشانند) چون مطابق شماره ۱۳ باب ۱۵ پنجم میفرمود:

«هر نهالی که پدر آسمانی من (خدا) لگانه بیاورد کند» یعنی هر کس تو را حکم و نظری که در تورات نیست و نظرت شیخ (نقها، یهود) است باید در آن در آن وقت نشود  
مطابق شماره ۱۵ تا ۲۳ پنجم می درباره کاتبان و فریسان میفرمود: «بارهای گوان در شوا را می بندند و بدوش مردم می نهند و خود نمیخواهند آنها را  
بابت آنست حرکت دهند. همه کارهای خود را میکنند تا مردم ایشان را ببینند. (ریا کارند) حاصل می خورد و اعراض داد من می قبای خود را پس

میکند. بالانشتن در صیافت کرسی (صندلی) می صدر (بالای) کنایس را دست دارند. و تقییم در کوم ۲ را و اینکه مردم  
ایشان را آقا آقا خوانند. لیکن شما آقا خوانده شوید زیرا آنها شما را میست یعنی هیچ وجهی شما برادرانید. بیگس را بر زمین پدر خود بخوانید زیرا پدر شما  
یکی است که در آسمان است. پیشتر خوانده شوید زیرا پیشتر ای شما یکی است یعنی مسیح. هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بود. هر که خود را بلند کند پست گردد.

هر که خود را فردی بس از مرا فرزند گردد. و ای بر شما ای کاتبان و فریسان ریاکار که در حکومت آسمان را بر روی مردم می بندید. زیرا خود را خدایان

آن نمیشود و داخل شوند تا آن از داخل (درویشی) مانع میشود. و ای بر شما ای کاتبان و فریسان ریاکار، زیرا خانه می بوه زمان را می بلعید و از  
روی ریا نماز را طویل میکنید. از آن رو عذاب شده بدتر خواهید یافت. و ای بر شما ای کاتبان و فریسان ریاکار زیرا بر خود بجز (خشکی و دریا) را میگردید

تا میردی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دورتر پست تر از خود پست بنمیدید. «تا سفینه امروزمی بنمید که در جهانی نما می کلمه ارباب و مذاهب  
به همین درد گرفتار هستند. بقول آیه الله صلی الله علیه و آله در نه آفر ص ۱۸۵ کتاب «بخی درباره برحیث در حقیقت» چاپ شرکت انتشار «حکومت عوام منش و راج

بی حد محصر ریاد مجامله و تطاهر و کتمان حقایق و آرایش آبیافه و پوشیدن به هیكل و شیوع عنادین و القاب بالابلید در جامعه روحانیت  
ما شده که در دنیا بی نظیر است» و این در در اسطابق ص ۱۸۴ آن کتاب «معلول تقییم مالی ما» میفرمود: «چون روحانیون ما از راه دین فروشی کسب معاش میکنند  
و فرج زن و فرزند را از این راه بدست می آورند. قرآن به افراد بی ایمان به این کتاب، به کلیه افراد بشره خطای میکند و آنها حرف میزنند. شایسته متوجه شده باشید که

حقد را بدست می گزند که آنها حرف در باطنند و بدایت شوند. خداوند در آیه ۲۴ توبه سوره ۹ میفرماید: «ان کثیرا من الاحبار و الرهبان لیاکلون  
اموال الناس بالباطل و لا یهدون عن سبیل الله». «عده زیادی از رهبانان یعنی دزدان و ناکر دنیا مال مردم را بنده میخورند و مردم را از راه خدا منحرف میکنند»

# آشنائی با قرآن ۴۲

خداوند در آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید:

شرب:

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ  
وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا. لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. سُبْحَانَ عَمَّا يُشْرِكُونَ

والتخذ ان دینی دز ابدان تارک دنیا می خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب خود گرفتند.

در صورتیکه آنها دستور داده شده بود فقط خدای یگانه را بندگانند.

معبودی غیر از او وجود ندارد. خدا اصلی بالاتر از هر چیزی است که شرک او میسر نماند.

معبود یعنی عبادت شده و قابل بندگی. ارباب یعنی آقا و مالک و صاحب اختیار. ارباب در عربی جمع رب است یعنی آقا و مالک و صاحب اختیار است ولی در فارسی

نمی‌مفرد بکار میرود. دیدیم که خداوند در آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «<sup>ال عمران سوره ۳۱</sup> جلوی این کتاب می‌آید روی کلمه ای که بین ما و شماست می‌گویند که

که فقط الله را بندگان کنیم و چیزی را شریک او نزنیم و بعضی از ما بعضی را غیر از الله بندگانند.» دین واقعی آمده که انسان را از بندگی انسان

آزاد سازد. ولی انسان مثل بیشتر موجودات زنده می‌خواهد هم نوعانش در رقابت با هم نماند و از نظر میل و فرمان آنها اطاعت کند.

این غریزه را در تمام افراد بشر و بعضی از همه در یک در پدر و مادر ما می بینیم. لابد توبه شده ای که پدر و مادر وقتی ببارد فرزندشان حرفی زنده بخواهد به تکرارند

باشند. و بچه می‌خواهند هر چه از پدر و مادرشان خواسته آنها انجام دهند. و دائما پدر و مادر را امتنان میکنند که بپسندند بیعتشان تا بجا می‌برد و پدر و مادر چه قدر

مطابق میل آنها رفتار میکنند و تا بجا می‌توانند تا زنده. این دستور گاهی بصورت تقاضا گاهی بصورت پستیهاست. چون اگر از طرف بالادست باشد دستور

است. و اگر از پایین است باشد تقاضاست. و اگر از پستتر از بالا باشد پستیهاست. یکی که بقدرت رسیده اند این غریزه طبیعی را بجزئی نشان داده اند. اگر

دستورشان کردن زدن یا بادر زدن یا تیر باران کسی یا کور کردن او یا جمعیتی باشد یا قتل عام شتر یا قبیله ای یا بباران شتر و همه بیشتر یا کتوری

بوده باید بدون چون و چرا اجرا می‌شود. دستور چنگیز، یوشع، ایشالین، هیتلر، گت، پریس، پادشاه، ارباب و راد طول تاریخ

دیده ایم در قرن بیستم به بسیاری از آنها بوده ایم یا آن را از او و تلوین شونده ایم یا در روزنامه ای یومیه و مجله است خوانده ایم.

کلمه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** که مردم را ترساندنش معنی آن بیدار کرده گشتی می افتادند کلید آزاری نشان از قید بندگی ارباب و پادشاه حکام و روسا، برزد درشت بود. ولی ننگه آشنند مردم معنی آن را بفهمند چون دیگر دینقتا توان بختی استند ارباب و صاحب اختیار مردم باشند و بر جان و مال و ناموس آنها حکومت کند. **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** یعنی «معبودی درستی که بنای طبع محض فرمائش باشد در قیوش رابدون چون و چرا اجرا کند و در مقابلش اختیار از خود نداشته باشد و در مقابلش حساس دایر از کوچککی حقارت کند» غیر از **اللَّهُ** وجود ندارد.» میدانیم که خداوند اجتنابی ندارد که بخواهد از بندگی شش برای نفع جناب

خودش استفاده کند. و اگر دستوری میدهد فقط برای سعادت بنده اش میباشد. خدای ما دستوری خود بخود مردم را از بندگی شان خارج نکند به آنها شخصیت بدهد یا نظور که در آیه ۷۰ از سوره صافات میفرماید: **لَقَدْ لَرْنَا مَن بِنِي آدَمَ وَ مَعَلْنَا هَمَّ فِي الْعِرْوَانِ الْحَرِيِّ...** «ما فرزندان آدم را تکریم کردیم»

تخصیص  
تعیین  
مشاورت  
و تفرغ  
لایه  
فرا

«بزرگداشتیم» و آنها را در بخشی و در باریا سوار کردیم... در بخشی سوار حیوانات و از روزه سوار کار کرد و در شکر و گاری و در چرخه و موتور و ماشین و اتوبوس و ترمین و هواپیما و در دریا سوار گشتی و قایق و زیر دریائی کردیم. ولی فرعون؛ بیست دکا مذا اران دین فروش مردم را از این حقیقت و سعادت واقعی دور کردند. به نظر که علامه طباطبائی مفسر المیزان در بند آخر صفحه ۷۴ کتاب «اسلام و تحقیقات واقعی بر عصر» مینویسد: «آقایان (حکومت) بیست یکبار خود

ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغز عایتان بیرون کشیده و با تزویق و تلقین بگذاشته اند که است و دواهی ولی اثر سرگشتن نمودند.» و از پادشاه **«ظَلَّ اللَّهُ»** «سایه خدا» است خنده. این درد تمام ایران بوده. فرعون؛ هم مطابق آیه

۷۴ نازعات سوره ۷۹ کوس **أَمَّا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** «لایا بالا ترین صاحب اختیار شما هستم.» و از طرف دیگر مردم مطابق آیه مورد بحث (آیه ۳ توبه)

«داشته اند دینی در زاهدان مارک ربی خود و غیرش را هیچ این بریم را ارباب خود مینویسند.» یعنی نشان نباید بیاورد خدا را هم ارباب صاحب اختیار خود بگویند. امام صادق علیه السلام در حدیث او ۳ باب تعقید در صفحه ۶۸ و ۶۹ کافی (جلد اول چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی بیت ع) در باره آیه (۳ توبه سوره ۹ میفرماید:

**أَمَّا وَاللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَىٰ عِبَادَةِ الْفَتِيمِ. وَ كَلِمَةً مَا أَحَابُوا هُمْ وَلَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حُرْمًا مَا دَعَوْهُمْ عَلَيْهِمْ حَلَالًا لاَ يَعْْبُدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لاَ يَسْعُرُونَ.** «بدانند که خواستند که آنها را با بندگی خودشان دعوت کردند. اگر هم میکردند مردم قبول نمیکردند. ولی آنها حرام را برای آنها حلال و حلال را برای آنها حرام کردند و آنها هم بدون آنکه بدانند بنده آنها شده اند.» و **اللَّهِ مَا صَامُوا لَهُمْ وَالصَّلَاةَ لَهُمْ وَلَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حُرْمًا مَا دَعَوْهُمْ عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَاتَّبَعُوهُمْ.**

«چونما مردم برای آنها روزه میخوانند و نماز بخوانند. ولی آنها حرام را برای مردم حلال و حلال را برای مردم حرام کردند و مردم هم از آنها پیروی کردند.» این تعقید جالب و تامل

# آشنائی با قرآن ۴۳

خداوند در آیه ۷۹ آل عمران سوره میفرماید:

مَا كَانَ لِلْبَشَرِ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنُّبُوَّةَ،

ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ؛

وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّكُمْ عَلِيمُونَ الْكِتَابَ وَمَا لَكُمْ تَدْرُسُونَ.

هیچ بشری نبوده که الله - لولا کتاب و حکم و نبوت بدهد، بعد از مردم بگوید غیر از خدا بنده من باشید؛  
دلی میباشند که خدا پرست باشید بدلیل همان کتابی که بهم رسیده و بدلیل همان کتابی که از هم یاد میگیرید.

پیغمبری ادعای خدائی نمیکرد بلکه سبقت من پیغمبر خدا هستم و فقط وظیفه دارم پیام خداوند را بشما برسم و خود من هم موظف هستم از احکام و نظراتی خداوند پیروی کنم. خداوند در آیه ۲۹ انبیاء سوره میفرماید: *مَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكُمُ مَجْزِي الظَّالِمِينَ* <sup>استغفره</sup> <sup>جواب</sup>

هر کس از آنها که بگوید غیر از خدا منم معبود (قابل پرستش و بندگی) هستم او را به جهنم میفرستیم (جهنم اجزای اوستیم) ما ظالم را اینطور مجازات میکنیم. مطابق شماره ۴۱ اول باب ۱ کتاب لایبان (از کتاب مقدس یهودیان) «خداوند موسی را خطاب کرده گفت: «البتة بعضی از باب ۴۱ اول باب ۱

میباشد. در بعضی از باب ۴۱ «مارون» هم اضافه شده. در ابتدای تفسیر باب کتاب خروج کتاب مقدس همین عهد را می بینید عیسی مسیح در شماره ۱۴: ۱۴ انجیل یوحنا

میفرماید: «کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاده» و در شماره ۱۵: ۱۵ آن میفرماید: «هر چه از پدر شنیدم بشما بیان کردم» و در شماره

۱۷: ۱۸ انجیل یوحنا - خدا در عوض میگوید: «کلامی را که من می پرسم - ایشان پروردم، ایشان قبول کردند» خداوند در آیه ۳۹ بود سوره ۱۱ در حکایت نوح

میفرماید: *يَنْبَغُ مِنَ آيَاتِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِ ذَٰلِكَ* «این از اخبار غیب است که توحی میکنم. نه توحی

قوت قبل از این از آن (طالع نداشتید) و آیه ۵۰ انعام سوره میفرماید: *يَوْمَ تَأْتِي سَائِرُ الْأُمَمِ إِلَى اللَّهِ* «من فقط از آنچه من وحی می شود پیروی میکنم»

و آیه ۱۹ انعام میفرماید: *قُلْ... أَدْعِي إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأَدْرِكُمْ بِهِ وَمَنْ يَلْبَغْ* «... بگو... این قرآن من وحی شده ما بوسه آن شما هر کسی که این

قرآن را در برسد (از عواقل که می خطا بر سر من) پیامبران همه پیام بر (پیامبر) خداوند بود و در بعضی از آیه ها آنها وحی شده به مردم برسانند.

# آخر فعل مضارع:

آخر فعل مضارع ضمه و دارد و آخر جمع مذکر و تشبیه آن و مفرد مؤنث می طلب آن «ان» دارد. تشبیه جمع و مفرد مؤنث می

یعنی توری طرف صحبت زن باشد. اولی گاهی ضمه و آن به فتح و گاهی بسکون و تبدیل می شود «ان» آخر آن می افتد.

حالت جزم: یعنی موقعی که ضمه بسکون تبدیل می شود «ان» حذف می گردد. در ۵ موقع فعل مضارع مجزوم می شود. ۱- پس از «لا» ۲- پس از «لم» ۳- پس از «ما»

۴- پس از یک دستور. ۵- پس از دل «ان» امر

حالت نصب: یعنی موقعی که ضمه به فتح و تبدیل می شود «ان» حذف می گردد. فعل مضارع پس از آن که کن، هرگز نمی آید. برای اینکه

راذن: بنابراین: بعثت انبه. برای اینکه: تا اینکه: در این صورت. در این حالت در فارسی بجای «می» می آید.

معنی کنید: دعوت نصب و جزم فعل مضارع را بیان کنید:

فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا	لَا تَجْعَلُوا لِلّٰهِ اَنْدَادًا	لَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ
لَا تَشْتَرُوا بِاٰمَانِي تُمْنًا قَلِيْلًا	لَا تَكُوْنُوْا اَدْلًا مَّا فُرِيْهُ	اَوْ تُوْا بِعَهْدِكُمْ
لَنْ نَضَعَهُ عَلٰى طَعَامٍ وَّاحِدٍ	لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى تَرَى الْاِلٰهَ جَهْرَةً	لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ اَنْ تَذْكُرُوْا بَقَرَةً	ادع لنا رب بين لنا ما هي	فَارِعَ لَنَا رَبِّ كَيْرِحَ لَنَا مَا سَبَّتِ الْاَرْضُ
لَنْ نَحْسِنَا النَّارَ اِلَّا اَيَّامًا مَّعْدُوْدَةً	لَنْ يَكْفُرُوْا بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ	اَعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْجَاهِلِيْنَ
اَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مِثْرًا	لَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مِثْرًا	لِيَجْزِيَكُمْ بِعِنْدَتِكُمْ
اَنْ تَرِيْدُوْنَ اَنْ تَسْمَعُوْا رِسُوْلَكُمْ	لَا تَقْرٰوْا رِءَاۓنَا	لَنْ يَخْلِفَ اللّٰهُ عَهْدَهُ
	لَا تَقْرٰوْا رِءَاۓنَا	اَنْ يَنْزِلَ اللّٰهُ
	لَا تَقْرٰوْا رِءَاۓنَا	حَتّٰى تَقْرٰوْا
	لَا تَقْرٰوْا رِءَاۓنَا	مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ اَوْ نُنسِخْهَا فَاَنْتَ بَعْرِسْهَا



# آشنائی با قرآن ۴۴

طاغوت:

خداوند در آیه ۳۶ مکه سوره ۴۰ میفرماید:

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا لِيُعَلِّمُوا الْإِنسَانَ رَبِّهِمْ إِنَّا عِبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبْنَا الطَّاغُوتَ.  
در بین برامتی پیغمبری برانگیزیم که الله را بندگی کنید. و از بندگی طاغوت کناره گیری کنید.

طاغوت یعنی طغیانگر یعنی کسی که طغیان کند و در برابر حکم و نظر خداوند حکم و نظر دیگری ببرد و بخواهد دیگران از حکم و نظر او پیروی کنند. لذا شیطان و دیکتاتوران و دروغبانی که برخلاف حکم و نظر خداوند حکم و نظر میرهند و میخواهند مردم از حکم و نظر آنها پیروی کنند. طاغوت هستند. عبادت یعنی بندگی کردن. عبادت یعنی بندگی پروردگار یعنی کسی که در مقابل ارباب خود اختیاری از خود ندارد و از دستورهای او بدون چون و چرا اطاعت میکند و شخصیتی برای خود قائل نیست. عبادت اظهار حقارت و کوچکی کردن در مقابل کسی یا چیزی یا زمانه است. اگر توبه یعنی عبادت شده باشد توبه شده است. اگر توبه نشده باشد توبه نشده است. باید در نگاه خود بنده این دانند که توبه ندارند. دین بخوابد مردم این شخصیت گم شده خود را دوباره پیدا کنند. ولی خودشان در قدرت طغیان فرستادند و این را وارونه کرده اند و برگرد مردم سوار شده اند. فرعون صفنان همیشه بر موسی صفنان مطابق آیه ۲۹ سوره ۲۶ میگوید: لَئِن لَّمْ يَكْفُرْ لِي كَفْرًا أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ لَآتِيَنَّهُمْ نَارٌ مِنْ أَسْفَلَ مِنْ تَحْتِهَا حَتَّى إِذَا كَفَرُوا مِنْهَا قَالُوا إِنَّا كُنَّا مِنَ الْمَكِيدِينَ. «در آن معبودی غیر از من بگیری (بندگی و طمع کی غیر از من باشی) تو را زنده نمیکنم» (دیکر نمی که بخدای پیغمبران ایمان بیاورند و نخواهند از دستور و سبب آنها پیروی کنند مطابق آیه ۱۳۱ تا ۱۳۴ سوره ۷ میگوید: اَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ قَبْلَ اَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ رُبِّكُمْ وَارْتَبِلْتُمْ مِنْ خِلَافِ نَوْمِ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ. «آیا قبل از آنکه شما اجازه بهم به خدای او ایمان آوردید؟ ... دست و پای شما بر خلاف هم ببریم و بعد همه شما را بر داریم» در تمام دنیا این تمهیدات وجود دارد و وجود داشته و عملی شده.

خداوند در آیه ۱۷ از سوره ۴۰ میفرماید:

الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ انْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَارْتَبِلُوا إِلَى اللَّهِ لِيَأْتِيَهُمُ الشَّرْءُ.  
کسی که از بندگی طاغوت خودداری کردند و بسوی الله برگشته اند و دست دارند.

یعنی پهلوان کناره. اجتناب یعنی پهلوانگری، کناره گیری، خودداری. انابه یعنی بازگشت یا توبه و تفرج توبه یعنی توبه بخیرخواش

خداوند در آیه ۲۵۶ بقره بفرماید:

مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ

هر کس طاغوت را قبول نکرد و به الله ایمان آورد به پستای محکم چسبید.

کفر یعنی قبول نداشتن. باور نداشتن. بنگر بودن. انکار کردن. کفر ضد ایمان است. ایمان یعنی باور داشتن. اعتقاد داشتن. خاطر جمع بودن. تمسک یعنی به چیزی چسبیدن و استمساک یعنی خودداری. جوی خود را گرفتن و تلقی یعنی مورد وثوق و اطمینان و تلقی مؤثرت اوثق یعنی مطمئن تر محکم تر مورد اطمینان تر

دین واقعی آمده که دنیائی بسازد که مردم بنده و بوبره و مصلح شیطان هموای نفس (دخواره) و طاغوت (فوق قانون) نباشند. ولی آن ها بنده آنها هستند. دین برای واقعی آن ها از بندگی آنها آمده است. ولی دیکه توران (طاغوت) بدست فریبکاران دکانداران دین افروش مردم را از دین واقعی منحرف کرده اند. به نظر که عمده لجاجتائی در نهضت آخر صفر ۱۲۷۴ کتاب اسلام در حقیقات واقعی از محضر «مینیویس» در البته این آقایان (حکومت) ای وقت است برگرداندگان اجتماع صفر ۱۲۷۴

با کمال تیربینی نقاط ضعف کار خود را میزدید و بدست بعلوه مزدور ماده پرت که مورد ارادت عامه مردم بودند فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از منقرضات آن بیرون کشیده و با تزریق تلقین یک دسته افکار سست و واهی دینی اثر نگرش آن نمودند. و اگر ایجابا کسی (یا کسانی) سر بلند کرده و باندامی و جودان نامی (از حقایق قرآن به زبان می آورد یا منقش بر دم شمشیر و چوبه دار و کتیبه های که در گنج زندان های تاریک در انتظار آنان پس میرسد مکرول میشود) مطبق صفحه ۱۲ آن لا آنکه بسیار رنگ بود همین اندازه و پتو است مواد قدرت مذهبی خود را دست نخورده نگذاشته و با یگانگی کند و اتفاقاً حکومت ای وقت است برگرداندگان اجتماع برای جدگیری از بخت آزاد

نسبت به این رویه زیاد بی میل نبودند. «میدانیم که خداوند در آیه ۶ و ۷ بقره ۹۶ میفرماید: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (انسان بطبعی، آن راه استغنی). «آن وقت خود را بی نیاز بیسند تمام طبعان میکنند» این قدرت طلبان و طاغوت و بندگان هموای نفس (دخواره) خود و بندگان شیطان با بداحی و مبالغه گوئی ای خود از افراد بی میا زند و خود متولی بنجانه میشوند و بدوش مردم وار میشوند. میدانیم که انسان طبیعتاً قدرت طلب است و تا وقتی تربیت صحیح دینی نشود برای دیگران حقی قابل نباشد هر رسته ای که سر کار بیاید همین بساط را پهن میکنند و افراد دار و دسته خود را بقدرت میرسانند و دست ای اصلی در می رابین آنها تقسیم میکنند. لذا دینداران واقعی که هدف دین و طبیعت انسان را میباشند در صدد و از گوی حکومت است نیستند بلکه سعی میکنند اولاً مردم را تربیت کنند تا با اتحاد

دینداران جهان حکومت آرا به کارهای اصلاحی هدایت نمایند کنند و آنها را از تکیه کردن افراد ناسدی که برای سوء استفاده خود از آنها شیطانی میکنند بی نیاز کنند.

# آشنائی با قرآن ۴۵

بشر:

خداوند در آیه ۱۰ آلف سوره اس میفرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ، يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ؛  
فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

رجا: ای

بگو ای من انسانی مثل شما هستم فقط بمن وحی میشود که معبود شما معبود واحد است.

بنابراین هر کس امید دیدار صاحب اختیارش را دارد باید کار درست بکند و در بندگی صاحب اختیارش احدی را شریک اولی نهد.

این دستور است که خداوند بی غیرش میدهد و او آن را بر مردم میگوید. ولی بعضی با در مقابل این بیان صریح و روشن باز میگویند: «کیف بشر؟» (چگونه بشری؟)

«مثل اینکه چشمش ان نمی بیند یا نمی خولهند بیستند که میفرماید: «بشری مثل شما». «بشری مثل همه شما». با تمام اعضاء و جوارح و ضعف و قدرت

نیاجات بشری. از شکم مادر زائیده شدم اسم پدر و مادرم را میدانی. دوره کودکی را گذراندم که از آن خبر دارید. غذا میخورم، زن و بچه دارم. یعنی غریزه

جنسی دارم، مثل همه شما. ولی مطابق آیه ۱۷۹ اعراف سوره ۷ لَمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا، وَلَمْ أُعْينَ لَّا يَبْصُرُونَ بِهَا، وَلَمْ أُذَانَ

لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا. اُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ، بَلْ هُمْ أَصْلَبُ. «دل دارند ولی با آن درک نمیکند، چشم دارند ولی با آن نمی بینند، گوش دارند ولی با آن

نمی شنوند. آنها مثل چهارپایان هستند بلکه از آنها هم غمرازه تر هستند.» خداوند در آیه ۳۸ عدس سوره ۱۳ میفرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ مِنْ زَوْجَانِجًا وَذُرِّيَّةً.

قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم.

ابراهیم همسری بنام سارا و همسری بنام هاجر و همسری پس از مرگ سارا داشت بنام قطوره و فرزندان بنام اسمعیل و اسحاق از او چهار پسر داشت مطابق شماره ۲۵:۲

پیدایش از قطوره فرزندان بنام زمران و یقشان و مدان و میدان و شیشاق و شوحدار داشت. اسحق زنی بنام رفقه داشت و دو پسر بنام عیسو

یعقوب. یعقوب همزن بنام لیه (لیعا) و راحیل و زلفه و بلهه داشت و ۱۲ پسر داشت رباب ۳۰ و ۲۹ پیدایش را ببینید. و دختر بنام دینه

سليمان سلطان شماره ۳: ۱۱ کتاب اول پاشا ۱۰۰۰ ازین درکت در جوامع پسیمان مطابق ۲۱: ۱۱ کتاب دوم تواریخ ایام ۷۸ زن و ۲۸ سپرده و دفتر درکت

خداوند در آیه ۲۰ فرقان سوره ۲۵ میفرماید:

مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنْهُمْ لِيَاكُلُوا الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ.

قبل از تو پیغمبرانی نفرستادیم مگر اینکه غذا بخوردند و در کوچه و بازار (مثل همه مردم) راه میرفتند.

ولی مردم عبادت دارند که در مورد بزرگان دین و پادشاهان و فلاسفه و بزرگان دیگر دست نهائی کنند. مخلوق با لطف طبیعت آن است و از آن نوشتن می آید.

لذا در مورد پیغمبران مخلوق و مبالغه میکنند همانطور که در کتب احادیث در باره پیغمبران حتی امامان مخلوق و مبالغه های زیادی شده.

خداوند در آیه ۷ فرقان سوره ۲۵ میفرماید:

قَالُوا: مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ.

گفتند: این چه جور پیغمبری است؟ غذا میخورد و در کوچه و بازار راه میبرد.

خداوند در آیه ۱۲ سوره ابراهیم سوره ۱۴ میفرماید:

قَالُوا: إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا، تُرِيدُونَ أَنْ لَصِقُوا عِمَّاكَانَ يُعْبَدُونَ.

گفتند: شما همانی مثل ما هستید. میخواهید ما را از پرستش آنچه پرستیدند بازدارید.

و در مورد دراست میگفتند پیغمبران آدمی مثل آنها بودند با تمام اعضاء و جوارح و احتیاجات بشری و آمده بودند مردم را از زمین مخلص خود بازدارند و آنها را

به راه صحیح هدایت کنند. وظیفه پرستان واقعی هم که تسلیم حکم و نظر خداوند باشد همین است. پیغمبران هم حرف آنها را صدق نمیگویند. همانطور که

خداوند در آیه ۱۱ ابراهیم سوره ۱۴ میفرماید:

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ: إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ.

پیغمبرانشان به آنها گفتند: ما فقط بشری مثل شما هستیم.

ولی بگنجانیم که بنام دین نوشته اند نگاه کنید تا ببینید که با مخلوق و مبالغه ای که در مورد پیغمبران کرده اند از آنها نشان فوق بشر و نمیه خدا و خداست خداوند.

# آشنائی با قرآن ۴۶

توحید و شرک:

خداوند در آیه ۱۰۶، اربعه سوره ۱۲ میفرماید:

مَا يُؤْمِنُ الْتَرَهُمْ بِاللَّهِ، اِلَّا وَهُمْ شُرَكَاءُ

بیشتر مردم در حالی به الله (خدا) ایمان می آورند که هنوز شرک می کنند.

ای (خدا) را حالیه می گویند  
در صحرای بیابان

بیشتر سیداران جهان در شرک میمانند و غرق در شرک هستند ولی خود را مؤمن (یکتا پرست، خدا پرست) میدانند. چون معنی پرستش و عبادت را میدانند پرستش در فارسی

اصیل به معنی خدمت کردن است و معنی مجازی آن دشمنی و عداوت زیاد میباشد. عبادت یعنی بندگی و حساس کوچک و حقارت کردن در مقابل کسی یا چیزی دابر از آن.

اگر اندکی دقت کنید این حساس را خیلی از افراد در مقابل شعراء، فلاسفه، هنرمندان، سیاستمداران، دانشمندان، ثروتمندان، قدرتمندان دارند و برابر کوچک و بندگان میکنند.

در صورتی که دین میخواند به آن شخصیت بدهد و محتاجی آید ۱۷۰ مراد در باره آن میفرماید: لَقَدْ كَرِهْنَا لِيْ اِذْ قَالَ اَدَمُ «فَرَزْنَا اَنْ اَدْمُ» و اَكْرِمُ كَرِيْمًا دُوْرًا كَرِيْمًا «دین

بنا بر فقط و فقط در مقابل خداوند حساس دابر از کوچک کند و بدانند فرشتگان هم موظف هستند به آدم سجده کنند و برابر کوچک نمیکنند.

خود با خستگان:

خداوند در آیه ۶۴ زمر سوره ۳۹ میفرماید:

اَفْتَحِرَ اللّٰهُ مَا مَرُوْنِيْ اَعْبُدُ اِيْهَا الْجَاهِلُوْنَ؟

ای افراد نادان! آیا من دستور میدهم که بندگی کسی غیر از الله را بکنم؟

افراد خودمانند ای که شخصیت انانی خود را از دست داده اند و دیگران را هم تشویق میکنند که در مقابل قدرت های زمان مرخم کنند و حتی بجاک میکنند آسمان بوس درگاه

آنان باشند. چون مشوره عظمت روح خود را دست داده اند و در برابر آنها گزاشته نیستند. فواج دنیا انسان های معمولی مثل انسان های دیگر بوده و هستند فقط با فعالیت

و پیشکار در دقت خود در کارها به این درجه رسیده اند. انسان های هر چیزی که دیگران رسیده اند میگویند بسته فقط بشرط آنکه بخواهند و تقسیم بگیرند و اراده ای قوی و پیشکار داشته

باشند و در کاری که میخواهند دقت کنند و اشتباهات خود را رفع کنند. خداوند در آیه ۳۴ بقره سوره ۲ پس از اینکه استعدادهای آدم را به فرشتگان نشان داد به فرشتگان فرمود:

سُبْحٰنَ اللّٰهِ فَمَنْ سَبَّحَهُ اِلَّا اِبْلِيسَ، اَبْنٰى وَ اَسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ «به آدم سجده کنید. همه سجده کردند غیر از ابلیس که از سجده کردن امتناع کرد و کبر در نزد قدرتمندان بود»

این لغات در قرآن زیاد می آید. اگر بعضی از آنها را ننویسید بنا بر مصلحت بسیار بد.

اسم اشاره: اسمی است که به چیزی یا کسی که از زبان دور یا به او نزدیک است اشاره میکنند. اسم همی اشاره هم عبارتند از:

هَذَا: این (مذکر) هَذِهِ: این (برای اسم مؤنث) ذَلِكَ: آن (برای مذکر) تِلْكَ: آن (برای مؤنث) أُولَئِكَ: آنها

(هم برای مذکر هم برای مؤنث) هَؤُلَاءِ: این ها (هم برای مذکر هم برای مؤنث)

موصول: اسمی است که در فارسی معنی «که» «چه» میدهد. اما در عربی مفرد و جمع و تشبیه و مذکر و مؤنث دارد. موصول با عبارتند از:

الَّذِي: که. کسی که. چیزی که (برای مذکر) الَّذِي: که. کسی که. چیزی که (برای مؤنث) الَّذِينَ: که. کسی که. فرزندی که. شخاصی که

در برای مذکر اَلَّذِي: اَلَّذِي: اَلَّذِي: که. کسی که. شخاصی که. (برای مؤنث) مَنْ: کسی که. هر کس که. کسی که. چیزی که. چیزی که

ما: چیزی که. آنچه. چه. چیزی. چیزی

علامت جمع در لغت عربی: حرف «ا» علامت ضمیر جمع در لغت عربی یا تشبیه است مثل اَنْتُمْ: شما. اَنْتُمْ: شما. اَنْتُمْ: شما (در لغت)

هُم: آنها. اَنْتُمْ: شما. اَنْتُمْ: شما (در لغت) قَالُوا: گفتند. قَالُوا: گفتند (در لغت) كُنْتُمْ: بودید. كُنْتُمْ: بودید (در لغت)

يَقُولُونَ: میگویند. يَقُولُونَ: میگویند (در لغت) تَعْلَمُونَ: میدانید. تَعْلَمُونَ: میدانید (در لغت) اسجدوا: سجده کنید. اسجدوا: سجده کنید.

(در لغت) مُؤْمِنُونَ: فرزندان ایمان. مُؤْمِنُونَ: فرزندان ایمان (در لغت) اَفْرَادًا: افراد با ایمان. اَفْرَادًا: افراد با ایمان (در لغت)

### ترتیب سوره های قرآن:

برای اینکه جای هر سوره ای را در قرآن بدانیم بهترین ترتیب سوره های قرآن را یاد بگیریم.

چون سوره انفصام پاره قرآن آخر توبه اول یونس پاره قرآن آخر یونس اول طه پاره قرآن آخر زمر اول لقمان پاره قرآن

آخر زمر اول مؤمن پاره قرآن آخر واقعه اول حدید پاره قرآن است. (با ترتیب سوره) اسجد ۲- بقره ۳- آل عمران ۴- بقره ۵-

۵- مائده ۶ انفصام ۷- انفصام ۸- انفصام ۹- توبه ۱۰ یونس

## آشنائی با قرآن ۴۷

مشکلین:

خداوند در آیه ۹۱ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید:

لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَنْ خَلَقَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ.

اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را خلق کرد و خورشید و ماه را منم نمود تمام بگویند الله.

مشکلین که مابہ آنها بت پرست میگویند میکنند این بت بائی که ما بت خود را خدایم خدا هستند و جهان را خلق کرده اند یا در خلقت جهان با خداوند شریک بوده اند

آنها چنین حرفی نمیزدند و چنین ادعائی نمیکردند. آنها اینقدر کم عقل نبودند که بت خود را خالق جهان بدانند. این شبهه کاری را برای ما کرده اند که ما متوجه

شکرت اصلی که بپروردگار آند نشویم. می بینیم که قرآن میفرماید آنها معتقد به الله بودند و او را خالق جهان و خیر کننده خورشید و ماه میدانستند.

خداوند در آیه ۳۱ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید:

لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ.

اگر از آنها بپرسی چه کسی باران را از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مرگش زنده کرده تمام بگویند الله.

می بینیم که آنها نمی گفتند این بت بائی که ما بت خود ایم باران را نازل میکند تا زمین پس از خشک شدنش دوباره زنده و پر از گیاه شود و روزی ما و چهار پیمانان فرایم

شود. می بینیم که قرآن صریحاً میفرماید مشکلین چنین ادعائی نداشتند و چنین حرفی نمیزدند. پس علت شرکشان چه بود؟ بقرآن نگاه کنیم تا شرک آنها را از نظر قرآن بفهمیم.

خداوند در آیه ۱۸ البقره سوره ۲ میفرماید:

يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يضرهم ولا ينفعهم، ويقولون هؤلاء شفيعاتنا عند الله.

غیر از الله چیز بائی را بتی میکنند که ضرر و نفعی به آنها نمی رسد؛ بولی میگویند آنها شفیع ما پیش الله هستند.

می بینیم که شرک آنها در عبادت دین بتی را ظاهر و کوفتی و حقارت در پیش بت بائی برای این بود که آنها را شفیع خود در پیش خداوند میدانستند. چون به احتمال

قوی میگویند ما آنها همکاریم در دین رفتن به درگاه خداوند را نداریم. ما اینها بتی را در کنار ما میگذارند شفیع خود در پیش خداوند قرار میدهم. شاید آنها را نشانی از مردان پاک

در گذشته اجتماع خود میدادند و شاید هم برای ترس زدن چنین کاری میکردند. ولی میدانیم به هر صورتی که بوده آنها را شفیع خود در پیش خداوند قرار میدادند تا شرک خداوند خدا

خداوند برای جوگیری از این طرز فکر غلط

در آیه ۱۶ سورہ ۵۰ میفرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ، وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

ما انسان را خلق کردیم و چیزهایی را که در گوش او را به آن کوسه میکنند میدانیم؛ و ما از رگ کردن به او نزدیکتر هستیم.

مسئله این حقیقتی است که خداوند بیان میکند چون خداوند همیشه ناظر اعمال و گفتار ما است و از نیت و قصد ما هم کامل خبر دارد. چنین خدائی چه احتیاجی به شفیع و واسطه دارد. بقول سعدی: «دوست نزدیکتر از من بمن است دین عجب تر که من از او دورم. چه کنم با که توان گفت که دوست

در کنار من دمن موجودم» چون قرآن خداوند را بصیر و منبع و حلیم به آنچه در دل و مغز انسان میگذرد معرفی میکند به آیه ۹۶ و ۱۲۷ بقره سورہ آد آیه ۱۱۹ آل عمران نگاه کنید.

خداوند در آیه ۹۰ عافرا مومن بفرماید:

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

مرا بگو که من بخوانم دعاهای شما را اجابت کنم.

و در آیه ۱۸۶ بقره سورہ ۲ میفرماید:

إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ.

وقتی بندگان من درباره من از تو سؤال میکنند، بگو که من به آنها نزدیکم، دعای و عبادت را وقتی مرا طلبند اجابت میکنم.

میدانیم که خداوند دروغ نمگوید و وعده دروغ نمیدهد. فقط باید دعای شخص از صمیم قلب و توجه کامل باشد. بنابراین شخص برای آن کار کند و لطیفه خود را با نام او بد

علی علیه السلام در نامه اسبغ البلاغه به امام حسن میفرماید:

وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بَدَّه خَزَائِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِذْ نَزَلَ فِي الدَّعَاوِ تَغْلِبُ بِالْإِجَابَةِ وَأَمْرٌ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيكَ وَتَسْتَرْجِي لِيُحْكَمَكَ

وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مِنْ حُجْبَةٍ عَنكَ وَلَمْ يَلْحَقْكَ إِلَى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَهٌ. «بدان که آن کسی که خزان آسمان و زمین در دست او است به

تو اجازه دعا داده و ضامن اجابت آن هم شده؛ و به تو دور داده که از او جواری تا به تو عطا کند و از او طلب رحم کنی تا به تو رحم کند و بین تو و خودش پرده داری

قرا رنده که او را از تو جدا کند، و تو را مجبور کرده که توسل به کسی شوی که شفیع تو در پیش او شود.» و میفرماید: «اگر کار بدی کردی تو را از تو جدا کردن منع نکرده.»



# آشنائی با قرآن ۴۸

طاعت:

خداوند در آیه ۳۶ نحل سوره میفرماید:

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ.

بین ہر امتی رسولی فرستادیم کہ اللہ را بندگی کنند و از طاغوت اجتناب کنند.

طاغوت یعنی طغیانگر یعنی ہر کسی دہر ہمتہ ای و ہر زمانی کہ در مقابل خداوند طغیان کند و نظر و دستور وی برخلاف دستور و نظر خداوند بہد و بخوابد دیگران از نظر و دستور او پیروی کنند. در این آیه می بینیم کہ خداوند میفرماید: «دین ہر ان را برای این فرستادیم کہ مردم از اطاعت طاغوت خارج شوند و بندہ خدا باشند و از دستور و نظری خداوند پیروی و اطاعت کنند. میدانیم کہ کسی کہ بقدرتی میرسد طغیان میکند و میخواند مردم از نظر و دستور او بہد و بخوابد چون و چرا اطاعت کنند.»

چون خداوند در آیه ۶۷ و ۷۰ علق میفرماید:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ

انسان چون خود را بی نیاز بیند تمام طغیان میکند.

چون انسان موجودی است جاندار و تمام جانداران این غریزه را دارند کہ میخواهند ہر کاری کہ در آن خواست بکنند در کار خود اختیار کامل کنند باشند و دیگران در مقابل آنہا میل آنہا نسیم محض باشند. انسان میخواہد ہر تصور و نظری کہ داد دیگران بدون چون و چرا از آن اطاعت کند. کسی کہ بہ قدرت رسیدہ اند این را نشان دادہ اند.

خداوند در آیه ۱۷ از سوره بقرہ ۳۹ میفرماید:

الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوا آثَانًا بَوَالِي اللَّهِ لَهُمُ الْبَشَرَى.

کسی کہ از بندگی طاغوت اجتناب کرد و بہ سوی خدا برگشتند از بندگی

بندگی طاغوت باعث جہنمی بزرگ جهانی و حتی قتل عام ہر فرد و قبیلہ مردم شدہ. چون این بندگی، و اظهار کوچکی و اطاعت عی بدون چون و چرا است کہ افراد را یک نور فوق قانون بسیار و فرمان آنہا قانون شناختہ میشود و مختلف از فرمان آنہا سخت ترین مجازات را در پی خواہد داشت. چگونہ؟ و تا این؟ و دستہ است؟ می دیند کوچک

و بزرگ را این اظهار ارادت و حقیقت و اطاعت عی بدون چون و چرا است و کثرت عی بزرگ آن را در این است جہنمی صلیبی و قتل عام سن با تلمی این بندگی

وجود آورده

خداوند در آیه ۲۵۶ بقره سوره ۲ میفرماید:

مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا.

هر کس منکر طاغوت شود به الله ایمان آورد به پستی و بزرگی که پاره شدنی نیست چسبید.

تادقی ایمان واقعی به الله (خدا) آفریننده جهان و صاحب اختیار واقعی بشود تمام ذرات جهان نیارند و وضع جهان همین خواهد بود و قدرت مطلقان تباری بیادمانده آن به

قدرت برسند برگزیده مردم بوار شوند هر کاری که خواسته باشند و قانون بازگردد است و آنها با شد و بیا شد و بر خاست هر چیزی را که خواسته لباس قانونی بپوشند.

در صورتیکه ایمان به الله (خدا) ایمان پیغمبران و آخرت دگتاهای آسمانی و دواسطهای روحی (فرشتگان) را در پی دارد و همه پیغمبران را پیغمبریک خدا میداند.

خداوند در آیه ۱۳۶ انف سوره ۴ میفرماید:

مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا.

هر کس منکر الله و فرشتگانش و کتابهایش و پیغمبرانش و روز آخرت شود ضلالتی گمراه شده.

چون کسی که بنده خدا شود منکر خدا و پیغمبرانش شود ناچار ایرادیکه توراتی میشود که برگزیده مردم بوار میشوند. و چون هیچکس نمیتواند به تنهایی بقدرت برسد، دارد و دستهای هم که او را به قدر

رسیده اند نیز به قدرت میرساند و برگزیده مردم بوار میشوند. و چون همه افراد بنده یک نفر میشوند همه خدايان زیادی بوجود می آید که برای کسب قدرت بیشتر بجان هم می افتند و در نتیجه

جنگهای بزرگ تاریخ بوجود می آید و میلیون ها نفر در این جنگها کشته میشوند. چه کمترین از این بالا تر که آن در اثر تقوی و بیدینی میلیون ها انسان را بقتل میرساند!

خداوند در آیه ۶۳ بقره سوره ۶۹ مائده با یکی از فرشتگان میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ، مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا، فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و صابئیه ها، بطور کلی کسی که به الله در روز آخرت

ایمان آوردند و کار درست کردند پاداشش بیش حساب خیراتش محفوظ است تشریحی در آیه ۱۱۰ غصه می

می بینیم که اسلام بعضی بدین افراد ندارد بکنند بلکه آن ایمان به خدا و روز آخرت و عمل صالح (کار درست) افراد است خداوند در آیه ۱۳۳ احزاب میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ... إِنَّ الْكُفْرَ حَكِيمٌ

عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ «ای مردم... اگر ای ترین شما پیش خدا کسی است که چیز کارتر باشد»، لذا می بینیم (و می طرزند و تراد و طلیت هم فرقی بین افراد بشر است که در این تقوی ا

پس جنگهای ملی و مذهبی از نظر دین مطرود و غلط است.

# آشنائی با قرآن ۴۹

فریکاران

خداوند در آیه ۶۲ البقره سورہ میفرماید:

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

معبود شما معبود یگانه ای است. معبودی غیر از او که بخشنده و مهربان است وجود ندارد.

دین برپاس تو وجود نباشد. دین آمده که مردم را از بندگی انسانی چون خود خارج کند. در صورتیکه در امر دنیا هنوز انسان مانده انسان مانگی مثل خود هستند.

سفارش علی ع: علی علیه السلام امام اول شیعیان و خلیفه چهارم و صحابی بزرگ پیغمبر نامه ۳۱ نبی البرغه در سفارش به فرزندش امام حسن ع میفرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدًا لِعَبْدٍ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

بنده کسی نباش که تو را آزاد آفریده.

دلی در امر جهان می بینیم که انسان با باد است خود طوق بندگی این دکان را بگردن انداخته اند و فریکاران بنام روحانی و پر دقطن در هر ضرب و فلکوف پشاور

و ایسم و... برگرد مردم سوارند و هر توری که نمیدهند میران بدن چون و چرا انجام میدهند. دیدیم که آیه ۱۰۶ یوسف سورہ ۱۲ میفرماید: مَا يُؤْمِنُ إِلَّا اللَّهُ بِاللَّهِ

إِلَّا اللَّهُ مَشْرِكُونَ. «بیشتر مردم در حالی به الله ایمان می آورند که هنوز شریک هستند.» چون از یکطرف حکومت و فرمانروایان و از یکطرف روحانی

نایان دین فرزندش دکاندار مردم را فریب میدهند در صورتیکه خداوند در آیه ۷۰ اسراء (بنی اسرائیل) سورہ ۱۷ میفرماید: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

رَأْسًا كَرِيمًا «بزرگ داشتیم دینی خود را تا بابت خود طوق بندگی انسان مانگی مثل خود را بگردن انداختند. چون انسان جهول بسیار نادان است و روی نادانی

و نفی خود کار مانگی میکند که صدقه آن را بعد میخورد. باد است خود بتیله دستا این و فرعون میسازد و در نتیجه میسون انسان را به خاک و خون میکشد. دین آمده که انسان

متوجه شخصیت واقعی و درونی خود شوند و مر بندگی در مقابل بیکیس هیچ چیز جز خداوند خالق جهان خم نکنند. خالقی که حیاصی به بنده خود ندارد. اگر لقبول

مادولن (ماتریالیست) خدائی در کار نباشد. دین آمده است که انسان بنده کسی مثل خود نباشد. البته میدانیم که این بندهگان اسیر و در بندگی و برای کار خود بهانه

مانعی آورند تا بندگی خود را توجیه کنند. دلی آنها مثل است: «تو هستی که وقتی کسی بخوابد به آنها ملک کنند میگویند: «وَلَمْ كُنْ لِمَنْ كَفَرْتُمْ»

یعنی در حالی که غرق بندگی هستند خود را آزاد میدانند. در شان لا ط و ملوط مولودی است که وقتی لوطی به او میگوید این خنجر چیست که به کمر تپه ای میگوید:

این را بگردانم که اگر کسی نظری من داشته باشد با این خورشش را باره کنم. - این خود با شکاکان فریب خورده باید گفت: تو خودت را خودت را دست کم گرفته ای  
مطابق شری که از علی علیه السلام نقل میکنند: **اتزعم انک حرم صغیر** و **ذینک الطوی العالم الابر**. (آیا خیال میکنی که موجود کوچک نیازی

همی؟! در صورتیکه دنیای بزرگی در وجود تو پمپیده شده. استعداد آنی که در تو نهاده شده بی پایان است تو میتوانی بزرگترین دانشمند، بزرگترین درویشکار،  
بزرگترین سخنران، بزرگترین هنرمند، بزرگترین دانشمند، بزرگترین فیلسوف، بزرگترین شوی. تو میتوانی به هر مقامی که میخواهی در جهان رسیده بوسی. این استعداد در وجود  
تو هست. تو خودت، خودت را دست کم گرفته ای و انسان بوس این دان شده ای. این به تو بستگی دارد که یک جوهرت به خرج دهی و فعالیت د

کوشش لازم را کنی. تو را تحقیر کرده اند تو هم پذیرفته ای که حقیر با چیز هستی همانطور که خداوند در باره فرعون و قوش در آیه ۵۴ از سوره بقره ۴۳ میفرماید:

**اسْتَكْفَرُوا لِقَوْمِهِمْ فَاطَاعُوهُ. اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَافِلِيْنَ.**

قوش را تحقیر کرد و در نتیجه از او اطاعت کردند. چون افرادی بودند که از حکم خداوند اطاعت نمیکردند.

چون خداوند در آیه ۶۰ سوره بقره ۳۶ میفرماید:

**لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ. اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ. وَاَنْ اَعْبُدُوْنِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيْمٌ.**

بند شیطان نشوید. چون او دشمن آشکار شماست. بندگی مرا کنید. راه راست این است.

شیطان ای شانی که این کار را به این بندگی با بر سر بردن ما و کوسه میکنند زیادند. چون خداوند در آیه ۱۱۲ انعام سوره ۶ میفرماید:

**كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِيْنَ الْاِنْسِ وَالْجِيْنِ. يُوْحِيْ بَعْضُهُمْ اِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غَرُوْدًا**

به این ترتیب برای هر پیغمبری شیطان ای شانی دشمن را دشمن خیم که بعضی از آنها برای فریب دیگران سخنان زیباتری را به آسمانها میگویند.

لذا همیشه تلاش پیگران توسط این فریبکاران به بدر رفته است. چون افراد بشر طبیعتاً تبیل هستند و میخواهند دیگران لغت را بچونند و بدانشان بگذارند. یعنی بجای

اینکه خودش کتاب الهی خود را بخواند و بفهمد خداوندش به آنها چه میگوید اینکار را به دیگران محول میکنند تا آنها بخوانند و بفهمند و آنها بگویند و توجه ندارند که فریبکاران

بی اطلاع از این نادانی حسن نیت آنها بود آنها میکنند و هر چه خواهند آنها میکنند و آنها هم بعزت بی اطلاعی آن را با حسن نیت می پذیرند و بجای کعبه معصود

سراسر ترکشان بر می آورند. دیدار آن واقعی باید این حقیقت را در یابند و خودش کتاب الهی خود را بخوانند و بفهمند و دیگران را به اینکار ترویج کنند تا فریبکاران را از

از کوشش برای رسیدن به حقیقت

# آشنائی با قرآن ۵۰

هوی پرستی:

خداوند در آیه ۳۳ قرآن بفرماید:

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ، أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا؟  
آیا کسی را که درخواه خود را معبود خوب خستیدی آیا تو دلیل الهی؟

مردم معمولاً روی خوئی حیوانی خود تابع هوی هموس بائی خود بنده دل درخواه خود هستند چون آن طبیعتاً موجود زنده ای است مثل تپه موجودات زنده ای که خدا آفریده هر موجود زنده ای میخواهد هر کاری که درش خواست بکند دیگران مطابق میل درخواه او عمل کنند. جنگ دائمی بین حیوانات را برای کسب قدرت و تمنازه از نوراک دشمنانی جنگ بر سر ماده نامی بنیم. انسان میخواهد هر کاری که درش خواست بکند بچکس هم به او برآوردی بگرد و هر دستوری که داد بدون چون و چرا اجرا شود. این جنگ را در خانواده، در محل، در بین قبائل، بین محلات، بین شهرها، بین کشورها، بین اقزاب، در داخل حزب نامی بنیم، چه بطور آشکار باشد چه پنهان. انسان میخواهد هیچ انسانی او را محدود نکند و آزاد از هر قید و بندی باشد. ولی فکر نمیکند که اگر دیگران نخواهند قید و بندی نشسته باشند چه بدلی بس او می آورند و چه وضع در روزگاری خواهد داشت. دیندار واقعی این حقیقت را میثناسد و میدانند باید نشان با معارض شوند و محدود گردند. یعنی قانون بر آنها حکومت کند. دیندار واقعی میدانند اکثر قریب به اتفاق مردم از کفری هستند که میخواهند هر کاری درشان خواست بکنند. لذا میدانند برای جلوگیری از آنها باید اولاً افراد را با حکمت و بصیرت با این طبیعت انسانی افراد بشر آشنا کرد. ثانیاً با آنها فغاند که باید برای معارض افرادی که میخواهند قید و بندی نشسته باشند متحد شوند. ثالثاً چنین افرادی را با شتاب هر چه بیشتر تنبیه کرد تا کفری که برای دیگران حقی قابل شسته از ترس مجازات به حقوق دیگران تجاوز نکنند و حقوق انسان محفوظ بماند. البته باید توجه خوئی حیوانی خود را بشنود و در زندگی و رفتار آن بگوشند.  
دستور خداوند:

خداوند در آیه ۱۸ احزاب بفرماید:

جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ، فَاتَّبِعْهَا، وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

تو را بر شریعتی از دین قرار دادیم، بنا بر این از آن پیروی کن، و از درخواه افراد نادان پیروی نکن.

این دستوری است که خداوند پیغمبر خود میدهد و امروز هر مسلمانی باید از این دستوری پیروی کند چون اعمال پیغمبر ص برای هر فرد با ایمان و سلامتی سرشت دالکو و نمونه است چون

خداوند در آیه ۲۱ از باب سوره ۳۳ میفرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

کارهای پیغمبر برای کسی که امید به الله و روز آخرت دارد بهترین سرمشق است.

هشدار خداوند:

خداوند در آیه ۳۷ و سوره ۱۲ میفرماید:

لَئِن أَتَيْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا دَاعٍ.

اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دلخواه آنان پیروی کردی هیچ یاور و حافظی در مقابل خدا نداری.

و در آیه ۱۲۰ بقره میفرماید: «اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دلخواه آنان پیروی کردی هیچ یاور و پشتیبانی در مقابل خدا نداری.» ۱۱۰ و آیه ۱۴۵ بقره میفرماید:

«اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دلخواه آنان پیروی کردی از افراد ستمکار خواهی بود.»

خداوند در آیه ۴۸ مائده میفرماید:

فَأَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

بین آنها مطابق آنچه الله نازل کرده حکم کن و از دلخواه آنها پیروی نکن.

خداوند در آیه ۹۴ مائده سوره ۵ میفرماید:

وَإِنِ احْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنِ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ.

در بین آنها مطابق آنچه الله نازل کرده حکم کن و از دلخواه آنها پیروی نکن و مواظب باش که تو را از بعضی از چیزهایی که خدا تو را نازل کرده منحرف نکند.

خداوند در آیه ۵۴ انعام سوره ۶ میفرماید:

قُلْ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.

بگو: من از دلخواه شما پیروی نمیکنم؛ چون اگر پیروی بکنم گمراه شده‌ام و از آن کی که راه صحیح را نشان خدا نخواستیم بگذرد.

تفسیر و تامل بسیار درستی  
مترجم اردن ۱۳۵۵

تفسیر و تامل بسیار درستی  
مترجم اردن ۱۳۵۵